

Genealogy of the Rabbinic Institution: Transformation and Transition to the Modern State

Javad Sharbaf¹

(Received on: 2022-08-16; Accepted on: 2023-01-07)

Abstract

Religious institutions, like political institutions, have structure, organization, leadership, surveillance, and boundary protection. The defense of religious teachings and the dissemination and propagation of religious ideas require a class of religious clerics who, by abandoning worldly attachments, attend to their own religious affairs and those of their followers. The particular language of religion, the understanding of the layers and inner meanings of religious texts, the extraction of religious obligations and religious dos and don'ts, the administration of the affairs of believers, and responding to their everyday needs grant this group a special status and standing within society. Almost all religions and ideologies have experienced such a mechanism and, in order to achieve their objectives, have produced an organization, leadership, and a particular class as the exclusive interpreters of religion/ideology. In Judaism, almost all of the above have been entrusted to Jewish religious clerics (rabbis).

The issue addressed in this article is the examination of the causes of the persistence and consolidation of the rabbinic system and the mechanisms governing it throughout the past centuries up to the present. The aim is to understand this mechanism and how religious responsibilities (the preservation of the Torah and efforts to act according to it in different communities) have been fulfilled among the Jewish minority. The main question of the article is how, given that religious leaders and clerics are responsible for protecting religion and guarding its boundaries, this responsibility has been fulfilled in the case of the Jewish minority throughout the course of history, and how this intra-religious cohesion, which has approached rigidity, has been able to preserve the identity of the Jewish community.

1. Assistant Professor, Department of West Asian and African Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
sharbaf@ut.ac.ir

Although the fulfillment and implementation of this responsibility in the years prior to the establishment of Israel did not require much structure and was shaped largely by the mutual acceptance and approval of both sides (the community and the rabbi), following the establishment of the Jewish state, this responsibility also assumed a different form and acquired a structured function. The examination of this transformation and change, and of the mechanism by which it became a structure, is analyzed in this study. The hypothesis of the present article is that this rabbinic structure and mechanism has preserved Jewish identity throughout the past centuries and, with the establishment of the Jewish state, while reconstructing and attending to new structures and institutions, has been able, by relying on its own instruments, to preserve and develop the Jewish character of the state. The method used in this research is descriptive analysis based on longitudinal historical studies. The findings of the research indicate that, despite enduring considerable hardships and adversities in different communities, the rabbinic system has been able to fulfill its responsibility for controlling the Jewish religious community throughout the past centuries. Furthermore, following the emergence of the Jewish state, while strengthening religious identity and consolidating the cohesion of its adherents, it has strengthened and developed rabbinic mechanisms and established new institutions with the aim of controlling Judaism.

Keywords: Rabbi, rabbinate, genealogy, Judaism, Israel.

تبارشناسی نهاد حاخامی؛ تبدل و گذار به دولت مدرن

جواد شهرباف^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷]

چکیده

نهادهای مذهبی همانند نهادهای سیاسی، دارای ساختار، سازماندهی، رهبری، دیده‌بانی و مرزبانی هستند. دفاع از آموزه‌های دین و نشر و پخش اندیشه‌های دینی، نیازمند طبقه‌ای از روحانیان است که با ترک علائق دنیوی، به امور دینی خود و پیروان‌شان بپردازند. زبان خاص دین، فهم لایه‌ها و بطون متون دینی، استخراج الزامات شرعی و بایدها و نبایدهای شرعی، اداره امور مؤمنان و پاسخ به نیازهای روزمره، به این گروه شأن و اعتبار ویژه‌ای در میان جامعه می‌بخشد. تقریباً همه ادیان و ایدئولوژی‌ها چنین سازوکاری را تجربه کرده و برای تحقق اهداف‌شان سازمان و رهبری و طبقه خاصی را به عنوان شارحان انحصاری دین/ایدئولوژی تولید کرده‌اند. در یهودیت، تقریباً همه موارد فوق بر عهده روحانیان یهودی (حاخام‌ها) قرار داشته است.

مسئله مقاله حاضر بررسی علل دوام و قوام نظام حاخامی و سازوکارهای حاکم بر آن در طول قرون گذشته تا زمان حاضر است. هدف شناخت این سازوکار و چگونگی ایفای وظایف دینی (حفظ تورات و تلاش برای عمل به آن در جوامع مختلف) میان اقلیت یهودی است. پرسش اصلی مقاله آن است که با توجه به این که رهبران دینی و روحانیان، وظیفه حراست از دین و مرزبانی آن را برعهده دارند، این مهم در مورد اقلیت یهودیان در کشاکش روزگار چگونه رخ داده و این انسجام درون دینی که تا مرز تصلب پیش رفته، چگونه توانسته هویت جامعه یهودی را حفظ کند. . تحقق و اجرای این مسئولیت اگرچه در سالیان پیش از تأسیس اسرائیل چندان نیازمند ساختاری

۱. استادیار گروه مطالعات غرب آسیا و آفریقا، دانشگاه تهران، تهران، ایران sharbaf@ut.ac.ir

نبود و بیشتر بر قبول و اقبال دوطرف (جامعه و حاخام) شکل می‌گرفت اما در پی تاسیس دولت یهودی، این مهم نیز شکل و شمایل متفاوت و کارکردی ساختارمند یافت. بررسی این تغییر و تبدل و سازوکار به ساختار در این پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. فرضیه مقاله حاضر آن است که این ساختار و سازوکار حاخامی در طول قرون گذشته حافظ هویت یهودی بوده و با تحقق دولت یهودی، ضمن بازسازی و توجه به ساختارها و نهادهای جدید، توانسته با تکیه بر ابزارهای خویش، ماهیت یهودی دولت را حفظ کند و توسعه ببخشد. روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل توصیفی و مبتنی بر مطالعات طولی تاریخی است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که علی‌رغم تحمل سختی‌ها و مرارت‌های بسیار در جوامع مختلف، نظام حاخامی توانسته به مسئولیت خویش در کنترل جامعه دینی یهودی در طول سده‌های گذشته عمل کند. نیز در پی برآمدن دولت یهودی ضمن تقویت هویت دینی و تحکیم انسجام پیروان، به تقویت و توسعه سازوکارهای حاخامی پردازد و نهادهای جدید با هدف کنترل یهودیت نظام برپا کند.

کلیدواژه‌ها: حاخام، ربانیت، تبارشناسی، یهودیت، اسرائیل.

مقدمه

یهودیان، تاریخ پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته اند. این تاریخ تا پیش از میلاد مسیح، رویه‌ای صعودی داشته است اما پس از میلاد مسیح و برآمدن رومیان در منطقه، دوران فراز ایشان به فرود تبدیل شد. معبدی که برای برپایی آن در دو مرحله، کوشش‌های عظیمی انجام و بر سر بنا و استواری و پایداری آن جنگ‌های عینی صورت گرفته بود، در پی خشم رومیان در آتش غضب ایشان در پیچید و اثری از آن جز دیواری بلند و فرسوده باقی نماند. یهودیان به محنت پراکندگی مبتلا و از شهری به شهری و از دیاری به دیاری دیگر آوارگی تاریخی خود را تجربه کردند. گرچه در این تجربه، منافع مادی و ایجاد شبکه نفوذ، استقرار در مناطق اقتصادی و تلاش برای اندماج در آن‌ها نیز بی‌تأثیر نبود. اما چگونه شد که این قوم‌دین^۱ در طول تاریخ توانست انسجام درونی خویش را حفظ کند (Smith A. D., 1999) و آنها بدون تکیه بر دولت و سرزمین، در کشاکش دهر بتوانند از تعرض زمان و مکان و محیط، امت خویش را در امان نگه دارند. برخی بر این نظرند که دو عامل بسیار مهم نقشی اساسی در این زمینه ایفا می‌کرده‌اند. نخست زبان عبری که می‌توانست به سان کشتی، یهودیان را در درون خود حفظ و غیریت ایجاد کند. زبان در واقع در حکم جغرافیای معنوی یهودیان بود که در غیاب کشور می‌توانست تا حدودی نقش آن را ایفا کند. دو دیگر وجود حاخام‌ها و روحانیان یهودی که وظیفه حفظ و حراست از مرزهای دین و مراقبت از یهودیان را بر عهده داشتند. تمرین و ممارست در حفظ آداب و رسوم، ترسیم خطوط کلی و جزئی مناسک دینی، مرزبانی اعتقادی در دنیای سکولار و البته ممانعت از امتزاج یهودیان با دیگران (جامعه، افراد، محیط) غیریت‌سازی شدید و مراقبت از من/مای درونی. همه اینها تا زمان پیدایش اسرائیل معنایی مجازی داشت اما تسلط بر زمین و بازگشت به ارض موعود در قالب اشغال فلسطین موضوع را به گونه‌ای دیگر رقم زد.

۱. Ethnoreligio: این تعبیر ترجمه دقیقی از مفهوم قومی. دینی است که آنتونی اسمیت جامعه‌شناس بریتانیایی برای نخستین بار درباره یهودیت به کار برده است. اسمیت در این باره متأثر از نظریه ماکس وبر در تعریف نقش مهم قومیت در آئین یهود است.

سیاست و حکومت در اسرائیل ترکیبی پیچیده از سکولاریسم و حاکمیت دین است. هر چند که رهبران اسرائیل مدعی سکولار بودن ساختار سیاسی حاکم هستند اما بی تردید یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری، دوام و بقای آن تکیه بر اندیشه‌ها و آموزه‌های یهودیت است. در این جدال علی‌رغم ظاهر، سکولاریسم شکست سختی خورده است (Ram, 2008). این نکته بدیهی است که آنها خود را احیاگر دولت یهود بعد از فروپاشی آن در طول تاریخ می‌نامند. بر اساس همین تفکر، یهودیت در طول قرن‌ها شاهد شکل‌گیری و نقش‌آفرینی ساختاری به نام «نظام حاخامی» بوده و توانسته نقش مرزبانی امت یهود را به خوبی ایفا کند. حوزه فعالیت نظام حاخامی نه تنها در داخل اسرائیل بلکه در سایر نقاط جهان است که هدف آن تحکیم پایه‌های دینی حاکمیت جدید، مشروعیت بخشی به اسرائیل، استیلاء بر سرزمین فلسطین، ارائه بنیان‌های نظری برای یهودی‌سازی آن و خدمت به منافع عالی این حکومت است (Rosenstein, 2015). ارائه این خدمات به حکومت و حاکمیت البته زمینه‌ساز رشد و تقویت یهودیت دولتی شده است. اما نکته اصلی آن است که این اتفاق چگونه رخ داده است و سازوکار حاکم بر این مجموعه چه مکانیسمی داشته که نه تنها حافظ خود بوده بلکه در انجام ماموریت خویش و دینی نگه داشتن جامعه علی‌رغم سکولاریسم گسترده، موفق بوده است.

طرح مسئله و سوال

هدف اصلی این مقاله شناخت این مجموعه و آشنایی با سازوکارهای حاکم بر آن و نقش مؤثر ایشان در حفظ انسجام در جامعه یهودی است.

بر این اساس سوال اصلی آن است که نظام حاخامی در طول قرن‌ها چگونه پایدار مانده و سازوکار تصمیم‌گیری آن چگونه است و برون داد فعالیت‌های طیف‌های مختلف آن در جغرافیای فعالیتش که جهانی شده، چگونه است؟ مفروض پژوهش حاضر آن است که

نظام حاخامی با بهره‌گیری از سازوکاری دقیق، متنوع و سختگیرانه، با تکیه بر مشروعیت بلامنازع دینی، توانسته است انسجام جامعه یهودی را در طول قرون و اعصار گذشته حفظ کند. پس از برآمدن دولت یهودی و تأسیس اسرائیل همین روند به شکل جهشی ادامه پیدا کرده و نقش و موقعیت گسترده‌ای یافته و برخلاف نظرات اولیه هرتزل که مایل بود روحانیان پس از تأسیس دولت به درون کنیسه‌های خویش بازگردند، اینک به ستون فقرات دولت یهودی در اسرائیل مبدل شده و نقشی تأثیرگذار در میان تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان ایفا می‌نمایند.

ادبیات و پیشینه پژوهش

درباره نظام حاخامی در دولت یهودی، تاکنون به زبان فارسی پژوهشی انجام نشده است. این که نظام مورد اشاره چگونه شکل می‌گیرد و نحوه عمل آن در میان متدینین یهودی چیست و نقش و جایگاه رجال دین کجاست تقریباً در هیچ منبع فارسی ذکر نشده است. درباره نقش و کارکرد دین یهود و برخی احزاب دینی یا گروه‌های مرتبط مطالبی منتشر شده است. در این میان، چند پژوهش عمده و مرتبط‌تر قابل ذکرند: علی عباس بهمنش در دانشگاه اصفهان، موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را «تحلیل بنیادگرایی صهیونیستی با تأکید بر دو جنبش گوش‌امونیم و حردیم» قرار داده است و نقش موثر احزاب دینی را در هسته‌های تصمیم‌گیری اسرائیلی و سپس توسعه آن به سایر نقاط دنیا بررسی کرده است (بهمنش ع. ۱۳۸۹). به علاوه، در پژوهشی دیگر، به نام «بررسی شکاف‌های قومی، مذهبی و هویتی رژیم صهیونیستی» صالح سخاوی یزدی در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) به ذکر شکاف‌های متعدد در جامعه صهیونیستی و پیش‌بینی تداوم آنها می‌پردازد که در این میان، تأکید اندکی بر عنصر دینی و عملکرد نهادهای دینی شده است (یزدی، بررسی شکاف‌های قومی، مذهبی و هویتی رژیم صهیونیستی، ۱۳۹۱).

در زبان عربی می‌توان به نوشته‌های دکتر عبدالوهاب المسیری درباره هویت یهودی و دایره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم به‌ویژه جلد پنجم ذیل مباحث یهودیت حاخامی و فقهای یهودی و جلد هفتم ذیل مبحث بحران در دولت صهیونیستی مراجعه نمود. در این میان، کتاب القوی الدینیة فی اسرائیل نوشته عبدالله رشاد الشامی بسیار مرتبط است؛ زیرا او فصل دوم کتاب خود را به موضوع دین و دولت در اسرائیل اختصاص داده و ذیل کتابش به مراتب از نظام و سلسله مراتب حاخامی نام برده و از آن صحبت می‌کند، اما با این حال، عیب کتاب، در قدیمی بودن آن است (الشامی، ۱۹۹۴). در این راستا، اشاره به کتاب المؤسسات الدینیة فی اسرائیل: جدل الدین والسیاسة نوشته محمد عمارة تقی‌الدین ضروری است. نویسنده در این کتاب با اشاره به نقش مؤثر و بل حیاتی احزاب و گروه‌های دینی از هر سه طیف اشکنازی، سفاردی و حریدی‌ها در تاسیس دولت یهودی، به سازوکارهای حاکم و درونی احزاب و رهبران ارشد دینی پرداخته و از نقش و نفوذ عمیق آنان در دولت، کنست و نهادهای نظامی روایت‌های جذابی ذکر می‌کند (تقی، ۲۰۱۸).

در زبان انگلیسی، ادبیات غنی‌تری درباره این موضوع وجود دارد. در این راستا، می‌توان به پژوهش‌های متعددی در این رابطه اشاره نمود که از جمله مهمترین آنها، مقالات انجام شده در جلد هفدهم از دایره‌المعارف جوداییکایا جلد دهم از دایره‌المعارف یهود ذیل مدخل RABBI, RABBINATE قابل ذکر هستند. همچنین کتاب اقتدار حاخامی، نگرش و واقعیت - تصمیم‌های بیت دین، نوشته یهودا واربورگ در اشاره به جایگاه نظری و حقیقی اقتدار حاخامی و ارائه دیدگاه‌هایی نوین درباره موضوعات مورد بحثی همانند طلاق و قرارداد و غیره به رشته تحریر درآمده است (Warburg, 2013). نیز کتاب اقتدار حاخامی به قلم مایکل اس. برگر که به ویژگی‌ها و بسترهای دینی کار حاخام در شریعت یهودی می‌پردازد، قابل ذکر هستند (Berger, 1993). در کتاب تاریخ یهود نوشته پل جانسون به چگونگی پذیرش حاخام در جامعه و پیدایش ایشان و جایگاه هدایتی و مشورتی که

برای خود در میان یهودیان قائل بوده‌اند اشارات مختلفی رفته است (JOHNSON, 1987). کتاب یهودیت نوشته ایزیدور اپستاین نیز در این باره مطالب مفید به رشته تحریر درآورده است. او با بیان شواهد مختلفی از فقدان تمرکز در نظام حاخامی و سرگردانی و آوارگی این قوم، به یکی از خصلت‌های مهم که همانا انطباق‌پذیری یهودیان و حاخام‌های هر منطقه از محیط پیرامونی است اشاره می‌کند (Epsteine, 1960). شکل تفصیلی‌تر این مباحث در ویژه‌نامه فصلنامه Reconstuctionist با تمرکز بر نقش‌های متفاوت حاخام‌ها در طول تاریخ و در جوامع مختلف بیان شده است. در شماره ۶۴ این نشریه بیشتر بر نقش رهبری، رهبری معنوی جامعه، مشاوره، نفوذ در تصمیم‌گیری کلی درون گروه‌های یهودی تمرکز شده است (Weinberg S., 1999). در این میان، کتاب‌ها و آثاری انتقادی نیز از سلطه حاخامی بر دین یهود نیز نوشته شده که از جمله آن می‌توان به کتاب رد یهودیت حاخامی به قلم ایتان بار اشاره نمود که در آن، شریعت شفاهی به عنوان مبنایی برای حاخامیت، زیر سوال رفته اما همچنان بر نقش برجسته فرهنگ شفاهی و جایگاه بی‌رقیب حاخام‌ها اشاره شده است (Eitan Bar and Golan Brosh, 2019).

یکی از مهمترین مقالاتی که درباره ساختار حاخامی بحث عمیقی را مطرح می‌کند با عنوان رهبری در جامعه یهودی، نخستین دیدگاه‌های ربانی/ حاخامی نوشته دین شناس برجسته یهودی استوارت کوهن است (Cohen, 1991). وی با مرور تاریخ سده قبل و پس از نابودی معبد، معتقد است که پس از نابودی معبد دوم، نقش کاهنان که مبتنی بر وراثت و جغرافیا بود در قدرت سیاسی کاهش یافت و به تدریج مضحمل شد. این تغییر جغرافیای قدرت دینی با کمک علمای ربّانی (حاخام‌ها) که پیوستگی کمتری با امپراطوری روم داشتند و با مردم در رابطه مستمر بودند در طی سده‌های اول و دوم محقق شد. این نقش‌آفرینی به ویژه در حوزه «تورا» و قضاوت دینی و حقوقی به دلیل افزایش نیازهای جامعه فزونی یافت. کوهن این تحول را تحلیل کرده و معتقد است تنش بین کاهنان، علمای توراتی، و رهبران سیاسی

وجود داشته است. این تنش نشانگر اهمیت تفکیک قدرت است اما در ذات خود مؤید برتری رهبری معنوی و نظری حاخام‌ها بوده است. وی با اشاره به دکترین سه تاج،^۱ بر این باور است که گرچه پس از معبد دوم یهودیان از قدرت سیاسی محروم شدند، اما تاج دینی، هموار بر سر حاخام‌ها نهاده شده بود و در طی سده‌های بعد تا برپایی دولت یهودی، حکمرانی مطلق با ایشان بوده است (همان). وی تحقق دولت یهودی را ثمره تلاش‌های تاج حاخامی می‌داند.

منبع دیگری که به معرفی جامعه یهودیت و تعریف نقش و تثبیت موقعیت حاخامی خاصه در قرون اولیه اختصاص دارد، سرآغاز یهودیت اثر شای کوهن است (Cohen S. J., ۲۰۰۱). کوهن نظام حاخامی را نه به عنوان ادامه ساده و مستقیم یهودیت کتاب مقدس، بلکه به عنوان پاسخی خلاقانه و انقلابی به بحران‌های سیاسی و هویتی یهودیان پس از ویرانی معبد دوم می‌داند. این نظام با ایجاد مرزهای دقیق هویتی (از طریق پذیرش یهودیت شخص از تبار مادری و ممنوعیت دخول دیگران و ایجاد مقررات سخت دینی برای حفظ هویت یهودی)، سازوکارهایی برای حفظ بقا و انسجام یهودیت در شرایط پراکندگی (دیاسپورا) ایجاد کرد. وی به جد معتقد است که تعریف امروزی یهودیت، بیشتر محصول تفسیرهای حاخام‌ها در قرن‌های اول و دوم میلادی و استمرار آن مفاهیم در درون این نظام بسته بوده و مرزبندی شده سبب حفظ دیانت یهودی در طول قرون بوده است. وی به تلاش‌های حاخام‌ها برای کنترل مرزهای هویتی شامل (تعریف یهودی، مقررات ازدواج، تعریف و تثبیت مناسک مختلف و متعدد و نظایر آن) اشاره می‌کند و معتقد است که ایشان در واقع در حال تعریف و تحمیل هنجارهای مذهبی و اجتماعی بودند و رهبری آنان توسط دولت‌های محلی نیز پذیرفته شده بود. (Cohen S. J., 2001, p. 344) رهبران دینی

۱. منظور از سه کنتریم (Ketarim) یا سه تاج اشاره به تقسیم وظایف سه بخش کاهنی (تاج نقش کاهنی و مناسک پرستش در معابد)، حاخامی (تاج دانش دینی و حکمت) و تاج ملکوت (قدرت سیاسی و مدنی) است که در حقیقت نوعی تقسیم وظایف دینی، سیاسی و عبادی بوده است.

در حقیقت سعی کردند تنوع و سیالیت پیشین را کاهش داده و یک «ارتدوکسی» اولیه ایجاد کنند. کوهن این تلاش‌های حاخامی را تثبیت‌کننده هویت یهودی در طول قرون بعدی علی‌رغم پراکندگی ایشان می‌داند.

بدون شک یکی از پرکارترین و تأثیرگذارترین محققان مطالعات یهودی در قرن بیستم جیکوب نوسنر است. دیدگاه‌های او درباره یهودیت حاخامی مباحثه‌برانگیز و چارچوب‌شکن بوده است. در مقایسه با شای کوهن که بر مرزهای هویت و تغییرات تاریخی تمرکز داشت، نوسنر بیشتر بر تحلیل متون و ساختار اندیشه نظام حاخامی متمرکز است. نوسنر معتقد بود که برای درک یهودیت حاخامی، باید متون اصلی (میشنا، تلمودها) را به صورت مجزا و سیستماتیک مطالعه کرد. او در اثر مهمش به نام چهار دوره یهودیت حاخامی مخالف تلفیق متون از دوره‌های مختلف برای ساختن یک الهیات یکدست حاخام محور بود. (Neusner, 1999)

ایده مرکزی نوسنر این بود که یهودیت حاخامی یک پدیده رهبری ثابت نبوده، بلکه در طول تاریخ، چهار سامانه رهبری دینی متمایز را تجربه کرده است. نقش و اقتدار حاخام‌ها در هر یک از این سامانه‌ها به طور اساسی دگرگون شده است. مرحله اول: دوره شکل‌گیری (میشنا) که حاخام‌ها نقش معماران انقلابی یک یهودیت جدید را برعهده دارند. ایجاد یک یهودیت بدون معبد که در آن تورات شفاهی و حلالا جایگزین قربانی و کاهن شد. مرحله دوم: دوره استقرار (تلمودها) که حاخام‌ها نقش مفسران و فیلسوفان سیستم را به خود اختصاص دادند. منبع اقتدار آنها مهارت در استدلال دیالکتیکی و عقلانیت و قدرت تفسیر بود. مرحله سوم: دوره تثبیت (رقابت با قرائیم و دوره گئونیم) که حاخام‌ها نقش مدافعان نهادی و قانون‌گذاران ارتدوکس و پالایش‌گری را برعهده داشتند. دفاع درون دینی و سرکوب رقبا (قرائیم) و تمرکز بر تلمود بابلی مهمترین ویژگی و کسب موقعیت نهادی (به عنوان رئیس یشیوها) و پذیرش عمومی به عنوان مرجع عالی به عنوان مهمترین منبع

اقتدار بود. مرحله چهارم: دوره مدرن (مواجهه با روشنگری) بود که نقش حاخام در آن بسیار حیاتی بود.

ظهور مدرنیته، سکولاریسم، تلاش برای کسب حقوق فردی و نقد تاریخی نهاد دین و حاخام‌ها مدیریت ایشان را به چالش کشیده بود (Neusner, 1999, p. xi). نقطه واگرد نویسنر نسبت به دیگران این بود که وی دستاورد نهایی را تکرر در تعریف یهودیت و تنزل نقش حاخام می‌دانست و آن را پایان یهودیت حاخامی به عنوان یک سامانه واحد تلقی می‌کرد. نویسنر با ترسیم این چهار مرحله نشان می‌دهد که حاخام‌ها از معماران یک سیستم انقلابی به مدافعان یک سیستم کلاسیک، سپس به مسئولان نهادی یک سیستم تثبیت شده و در نهایت به رهبرانی منفعل در ایفای وظایف دینی خود تبدیل شدند. این تحول، داستان انتقال از اقتدار مطلق به اقتدار مشروط و رقابتی است. به بیان نویسنر، یهودیت حاخامی کلاسیک در دوره مدرن، به عنوان یک سامانه مسلط، به پایان رسیده است. از همین رو نویسنر به شدت با دیدگاه سالو بارون که یهودیت را یک «تمدن» همه‌جانبه (شامل تاریخ، زبان، هنر، فرهنگ و...) می‌دانست، مخالف بود. از نظر نویسنر، یهودیت صرفاً یک دین بود اما حاخام‌ها می‌کوشیدند آن را به یک تمدن یا یک نژاد ارتقا دهند.

سالو بارون یکی از چهره‌های برجسته تاریخ‌نگار یهودی در قرن بیستم است. او را می‌توان در زمره چهار مورخ معروف یهودی در نظر گرفت. درباره نقش و سازوکار نهاد حاخامی در تداوم یهودیت، تمرکز بر مفهوم محوری تمدن یهودی در اندیشه او ضروری است. او نویسنده پرکاری بود و در کتاب سه جلدی خود به عنوان جامعه یهودی به تشریح دیدگاه خود می‌پردازد (Baron, 1942). بارون با نقد «تاریخ مصیبت بار» یهودیان که دیگر مورخان مکرر بدان استناد می‌کنند، استدلال می‌کند که تداوم یهودیت نه تنها به دلیل رنج‌کشی، بلکه به دلیل ساختارهای اجتماعی، نهادهای خودگردان و انعطاف‌پذیری فرهنگی بوده است. از نظر او نهاد حاخامی در مرکز این ساختارها قرار داشت، اما نقش آن بسیار پیچیده‌تر

از صرفاً رهبری دینی بود. از منظر بارون، راز تداوم یهودیت در توانایی نهاد حاخامی در عملکرد به عنوان ستون فقرات حقوقی-اجتماعی تمدن یهودی بود. تداوم، نه فقط از طریق متون مقدس، بلکه از طرق مختلفی نظیر ایجاد ساختارهای خودگردان دینی، برقراری شبکه‌های ارتباطی جهانی میان یهودیان دیاسپورا و مدیریت آن، تطبیق عملی قوانین با شرایط متغیر جوامع مختلف در دوره‌های متفاوت، شرکت در یک سیستم تعادلی قدرت درون جامعه‌ای که همواره اقلیتند، ایفای نقش به عنوان رابط با جهان بیرون از محیط یهودی و مدیریت و تعادل درون و بیرون، در طول این سده‌ها به مدد مدیریت حاخامی محقق شد. او به عنوان مثال از نقش مدیریت موثر نظام حاخامی و مجلس ایشان در لیتوانی در ۱۵۵۳ به نیکی یاد می‌کند (Baron, 1942, p. 1333). به بیان ساده، از دید بارون، یهودیت به این دلیل ماندگار شد که حاخام‌ها به جامعه آن یک چارچوب نهادی، قضایی و سازمانی منسجم دادند که توانست در سخت‌ترین شرایط، یکپارچگی و انسجام خود را حفظ کند. این شرایط در پی تبدل به دولت البته شکل و شمایل متفاوتی یافته است. در میان نویسندگان متذخر و صاحب نظر نمی‌توان نقش و جایگاه دانیل الیعزر و کتاب مهمی که با عنوان اقتدار، قدرت و رهبری در جامعه یهودی را ویراستاری کرده غفلت کرد. (Elazar, Cohen, Gerber, & Robert, 1991) مفهوم کانونی او در این کتاب تأکید تمام بر نقش محوری سیاسی حاخام‌ها در ادوار مختلف بوده است. این کتاب نظام حاخامی را نه فقط به عنوان یک نهاد مذهبی، بلکه به عنوان یک سیستم سیاسی کارآمد تحلیل می‌کند که برای قرن‌ها ساختار حکمرانی جامعه یهودی را تشکیل می‌داده است. حاخام‌ها در تمامی ادوار مدیریت امور دینی یهودیان، دارای اقتدار بودند: اقتدار آنان ناشی از دانش توراتی و تخصص در خلاصا بود. اما قدرت لزوماً در دست آنان نبود، قدرت واقعی شامل کنترل منابع مالی، روابط با حکومت‌ها و تولید ثروت، اغلب در دست رهبران غیرروحانی و ثروتمند جامعه (پارناسیم) بود. رهبری محصول تعامل این دو بود: رهبری مؤثر زمانی به وجود

می‌آمد که اقتدار حاخام‌ها و قدرت پارناسیم در تعادل با هم کار می‌کردند (Elazar, Cohen, 1991, p. 118). این کتاب استدلال می‌کند که رمز موفقیت و تداوم نظام حاخامی در توانایی آن برای ایجاد یک ساختار حکمرانی پایدار، اما انعطاف‌پذیر بود که اقتدار دینی را از قدرت سیاسی جدا می‌کرد، بر محور شایستگی و نه صرفاً تمکن یا انتساب عمل می‌کرد، سیستم تعادل قوا داشت و به شکل منظم به رصد تعاملات داخلی و خارج از جامعه یهودی حساس بود و از همه مهمتر این که برای کنترل و اداره دیاسپورای یهودی، از طریق شبکه‌های غیرمتمرکز عمل می‌کرد. این مدل حکمرانی حاخامی، به جامعه یهودی اجازه داد تا در شرایط پراکندگی (دیاسپورا) و تحت حاکمیت‌های مختلف، هویت و انسجام خود را برای قرن‌ها حفظ کند.

نمی‌توان درباره رهبری حاخامی در سده‌های گذشته سخن گفت اما از اثر مایکل اس. برگر که به بررسی مبانی الهیاتی و منطق حقوقی اقتدار حاخام‌ها می‌پردازد یاد نکرد (Berger, 1998). پرسش محوری او در کتابش آن است که در یک نظام که وحی الهی (تورات) بالاترین مرجع است، چگونه و چرا حاخام‌ها به عنوان انسان، این حق و اقتدار را می‌یابند که تورات را تفسیر و حتی توسعه دهند. در جواب طولانی به این سوال کلامی، برگر درباره مدیریت و رهبری حاخامی به هسته مرکزی نظریه خود که تبیینی از شراکت الهی/انسانی است می‌رسد. برگر استدلال می‌کند که اقتدار حاخام‌ها نه یک غصب قدرت، بلکه طرحی است که خود اراده الهی آن را مقرر کرده است. وقتی خدا در کوه سینا تورات را وحی کرد و با موسی مکالمه کرد، عمداً حق تفسیر و تطبیق آن را به عالمان انسانی (حاخام‌ها) سپرد. بنابراین، اقتدار حاخام‌ها تجلی یک مشارکت الهی-انسانی است. مدیریت و رهبری حاخامی از دیدگاه برگر را می‌توان اینگونه خلاصه کرد؛ اقتدار مبتنی بر دانش که موقعیت رهبری به شکل بدیهی از تسلط بر تورات و سنت شفاهی ناشی می‌شود. نوآوری

در رهبری و وفاداری به متن مقدس و در عین حال جسارت در استفاده از عقل برای نوآوری و تطبیق معنای یابد. تربیت رهبری خدمتگزار که اقتدار حاخام‌ها در نهایت برای خدمت به جامعه و تحقق اراده الهی است؛ و بالاخره ساختن جامعه‌ای مقدس که هدف نهایی رهبری حاخامی، هدایت جامعه یهودی برای تبدیل شدن به یک «ملت مقدس» است. به طور خلاصه، برگز اقتدار حاخامی را به عنوان سیستمی دقیق و متعادل ترسیم می‌کند که هم الهی است و هم انسانی، هم محافظه‌کار است و هم پویا. این اقتدار به حاخام‌ها این امکان را داد که در طول قرون متمادی، جامعه یهودی را با موفقیت رهبری کنند و از پس مشکلات عظیم برآیند.

موارد پیش گفته که برخی در چندین جلد کتاب ذکر شده، به طور خاص نشان می‌دهد که این موضوع در تاریخ یهودیت بسیار مهم و تأثیرگذار بوده‌اند. این مباحث همچنان که در مقدمه ذکر شد، متأسفانه به زبان فارسی تولید نشده و در دسترس نیست یا مختصراً و در لابلای متون ترجمه شده، به مسئله اشاره شده است. بنابراین جامعه دانشگاهی و علاقه‌مندان حوزه مذکور، دسترسی سهل و آسانی به این پژوهش‌ها نداشته‌اند. مقاله حاضر می‌کوشد اندکی موضوع را مورد توجه قرار داده و به یکی از مهمترین فرازهای تاریخ یهودیت و تأثیر آن در پیدایش دولت اسرائیل و مکانت ایشان در دولت یهودی به صورت مقدماتی و گذرا، اشاره‌ای مختصر بنماید.

چهارچوب نظری

ماکس وبر در آثارش، به‌ویژه در کتاب جامعه‌شناسی دین، تلاش کرد فرآیند عقلانی شدن تحول اقتدار دینی را در تمدن‌های مختلف، از جمله یهودیت، توضیح دهد. در نگاه وبر، دین نه صرفاً یک باور فردی بلکه نظامی از اقتدار، منزلت و کنش اجتماعی است که ساختار

جامعه را شکل می‌دهد و در تحول تاریخی آن نقش دارد. از نظر وبر این نظام منزلتی در طول تاریخ توسعه یافته و به تدریج بر قدرت و اعتبار و اقتدار آن افزوده شده است. وبر به ویژه در بحث تطور دین یهود، یهودیت را نمونه‌ای مهم از دینی شرعی/قانونی می‌داند؛ دینی که از رهگذر تحولات تاریخی و الگو گرفتن از مقام و مناصب مصری و بابلی، بدون آلودگی به ریاکاری و فریب و شعبده‌بازی و توسل به رمل و اسطرلاب، به تولید سازوکار مناسب دست بزند و از کاریزمای پیامبران به بوروکراسی فقهی-ربانی به صورت موفقی گذر کرده است (Weber, 1952, p. 396). وبر برای فهم هر نظام اجتماعی سه «تیپ آرمانی» اقتدار را معرفی می‌کند و سه نوع اقتدار را به شکلی خاص از یکدیگر متمایز می‌کند و برای هر یک نیز ویژگی‌هایی برمی‌شمارد: (Weber, Economy and society. I : a new translation, 2019, p. 339).

اقتدار سنتی:^۱ مبنای مشروعیت در این حوزه تقدس سنت‌ها، نسب و میراث سیاسی و فرهنگی، روابط شخصی و استمرار مشروعیت از گذشته بدون پرسش از چرایی آن است. وی پادشاهان و رهبران سنتی، ریش سفیدان قبایل و امیران محلی و پیران دین را واجد چنین اقتداری می‌داند.

اقتدار کاریزماتیک:^۲ مبنای مشروعیت در این حوزه، فره ایزدی و توان معنوی شخص رهبر و مرشد است. او ویژگی‌های شخصی مختص به خود دارد که قابل انتقال به غیر نیست و پیروانش، به دلایلی که برای دیگران قابل فهم یا توضیح نیست، از وی پیروی می‌کنند. پیامبران، قدیسان، مرشدان و رهبران دینی از چنین جایگاهی برخوردارند و اوامر و نواهی آنان بی‌چون و چرا پذیرفته می‌شود.

اقتدار قانونی-عقلانی:^۳ مبنای مشروعیت در این حوزه، قانون و نهادهای مستخرج از آن است. بوروکراسی در این نظام معنا و موجودیت و ساختار دارد. قوانین، قواعد و تبعیت از آنها

1. Traditional.

2. Charismatic.

3. Rational-Legal.

به رسمیت شناخته می‌شوند و همگان موظف به رعایت آن هستند. اقتدار از حقوق و قانون برمی‌آید و دولت و سازمان‌ها و نهادها، مهمترین نمادهای این اقتدار محسوب می‌شوند. وبر تأکید می‌کند که در تاریخ دین، حرکت از کاریزما به بوروکراسی یک روند طبیعی عقلانی شدن است؛ یعنی با مرگ پیامبر یا رهبر کاریزماتیک، پیروان او برای حفظ نظم، کاریزما را روتینه^۱ می‌کنند. این همان فرآیند نهادینه سازی اقتدار است. وبر در مطالعات خویش به این نکته رسیده بود که در جوامع یهودی سنتی، اقتدار حاخام‌ها بیشتر سنتی و کاریزماتیک است. سنتی از آن رو که جایگاه‌شان در امتداد سنت تلمودی و حاخامی شکل گرفته و انباشتی از سنت‌ها در این حوزه به شکلی کاملاً ملموس و عینی و سینه به سینه شکل گرفته است. اما کاریزماتیک است چون مشروعیت‌شان از «دانش توراتی» و «قداست شخصی» ناشی می‌شود و در طول زمان بسته به توانمندی‌های شخصی، این کاریزما و اقتدار افزایش یا کاهش می‌یابد (همان، ۳۷۸).

در تاریخ یهود، وبر این گذار از اقتدار سنتی به کاریزماتیک و سپس شرعی/قانونی را به وضوح تشخیص می‌دهد. اقتدار پیامبران از نوع کاریزماتیک بود یعنی مبتنی بر الهام مستقیم و دریافت وحی، اعتراض به نظم موجود و به چالش کشیدن نظام مستقر، و انتقال پیام الهی و گسترش دعوت دینی. با پایان عصر نبوت (حدود قرن ۵ ق.م.)، این کاریزما به تدریج به طبقه کاتبان و علمای شریعت منتقل شد و سپس در قالب ربانیم^۲ نهادینه گشت. وبر این دگرگونی را نمونه‌ای از «روتینه سازی کاریزما» می‌داند؛ یعنی اقتدار معنوی پیامبران در قالب اقتدار سنتی و فقهی بازتولید می‌شد. در یهودیت پس از انبیاء، اقتدار کاریزماتیک نبوت جای خود را به اقتدار قانونی. سنتی حاخام‌ها داد (Barbalet, 2006).

در دوره تلمودی (قرون ۲ تا ۶ میلادی)، حاخام‌ها حامل اقتدار سنتی بودند؛ مشروعیت‌شان از دانش تلمودی، نسب علمی و سنت شفاهی می‌آمد. اما به مرور، این اقتدار در

1. Routinize.

2. Rabbis.

قالب ساختارهای رسمی (یشیواها، شوراها، شوراهای دینی، دادگاه‌های شرعی / بیت دین) نهادینه شد. این فرایند دقیقاً همان چیزی است که وبر آن را گذار از اقتدار شخصی به اقتدار سازمانی می‌نامد. در یهودیت اروپایی قرون میانه و مدرن، این بوروکراتیزه شدن در قالب نهادهایی چون شوراها، جامعه یهودی، بیت دین‌ها، و بعدها نظام حاخامی ساختار یافته در اسرائیل تداوم یافت. به تعبیر وبر، حاخام‌ها به تدریج به کادر متخصص در نجات انسان‌ها تبدیل شدند. کسانی که با تسلط بر شریعت، میان انسان و خدا واسطه‌اند، مشروعیت‌شان از دانش فنی و متون مقدس می‌آید و البته بهره‌ای از وحی و الهام مستقیم نیز ندارند. نهاد حاخامی تجسم این عقلانی شدن است:

ربانیان با تدوین تلمود، مجموعه‌ای از قواعد منسجم برای همه شئون زندگی روزمره ساختند؛ این همان معنای نهادسازی عقلانی در دین است. در عصر مدرن، به‌ویژه پس از قرن نوزدهم، با ظهور دولت‌های مدرن و نظام آموزشی جدید، اقتدار سنتی حاخام‌ها با چالش روبه‌رو شد. ولی بخشی از این اقتدار با انطباق با مدل عقلانی-قانونی نهادها ادامه یافت. به بیان وبر، حاخام مدرن دیگر تنها حامل سنت نیست، بلکه متخصصی دینی است که در چارچوب سازمان رسمی یا مراکز آموزشی به سان یک متخصص ماهر در خدمت جامعه‌اش عمل می‌کند. بدین ترتیب، حاخام‌ها از «رهبران کاریزماتیک-سنتی» به «کارگزاران دینی در ساختار بوروکراتیک» تبدیل شدند. این همان گذار از اقتدار سنتی به اقتدار عقلانی-نهادی است. در این فرآیند، قداست کاریزماتیک دینی به تدریج به قداست شخصی رهبران دینی و حاخام‌ها انتقال پیدا کرد و از ایشان نیز به مرور به قداست ساختار تبدیل شد. بدین‌گونه، دین یهود توانست بدون حضور مستمر پیامبران، در طول تاریخ و با تکیه بر نظام حاخامی، سرمایه‌ای اصیل تولید و مبتنی بر آن هویتی پایدار را حفظ کند

(Weber, Ancient Judaism, 1952, ص. 391-404).

در این عرصه که تولید سرمایه‌ای ایمانی و دینی است، حاخام‌ها آفرینندگان نوعی سرمایه نمادین و خاص هستند که مشتریان انبوهی در میان جامعه دین‌داران دارد. انواعی از سرمایه‌هایی که مختص ایشان است: سرمایه دانشی که حاکی از عمق تسلط بر تلمود و فقه یهودی (هالاخا) دارد؛ سرمایه اخلاقی و معنوی، مبتنی بر خصوصیات اخلاقی و پرهیزگاری و زهد شخصی؛ سرمایه نهادی که ماخوذ از وابستگی به یشیواها و شوراهای دینی است و بالاخره سرمایه تاریخی و نسبی که نسب و تبار از ربی‌های معروف (بویژه در سنت حسیدی) به آن تشخص و جایگاه ویژه‌ای می‌بخشد. در نتیجه، نظام منزلتی حاخامی از طریق همین سرمایه‌ها بازتولید می‌شود و مرز میان «عالمان» و «عامیان» را حفظ می‌کند؛ مرزی که در واقع به «بازتولید فرهنگی یهودیت» و در کلان خود به حفظ انسجام دینی و انباشت سنت‌های یهودی کمک می‌کند. به طور خلاصه می‌توان گفت که نظام حاخامی یک نظام منزلتی دینی است که بر پایه سرمایه نمادین و مشروعیت سنتی شکل گرفته و در طول زمان به خودمختاری سازمانی رسیده است (Cohen S. A., 1990, p. 225). منزلت حاخامی کارکردی تاریخی در بازتولید دین دارد؛ زیرا استمرار شریعت یهود و هویت دینی به واسطه آنان تضمین شده است. تحول منزلت از کاریزما به بوروکراسی و از دانش شفاهی به نهاد آموزشی بازتاب دگرذیسی جامعه یهودی از تبعید به دولت است. و بالاخره این که نسبت حاخام و جامعه دینی متقابل است: جامعه منزلت حاخام را مشروع می‌کند و حاخام با تفسیر مستمر شریعت، جامعه را بازتولید می‌کند.

شان و منزلت سنت شفاهی و نظام حاخامی مترتب بر آن

در یهودیت، سنت شفاهی را می‌توان قلب شکل‌گیری نظام حاخامی پس از ویرانی معبد دوم دانست که بدون فهم آن، هیچ تحلیلی از ساختار اقتدار دینی، منزلت حاخام‌ها و

تحولات فقهی یهودی قابل درک نیست. در یهودیت، از قرن‌ها پیش از میلاد، این اعتقاد وجود داشت که در کنار تورات مکتوب، نوعی تورات شفاهی نیز از سوی خداوند به موسی در کوه سینا داده شد. این تورات شفاهی شامل توضیحات، تفاسیر و شیوه‌های عملی اجرای احکام مکتوب بود. به ویژه پس از ویرانی معبد دوم در سال ۷۰ م. و فروپاشی نظام کاهنی، حاخام‌ها جایگزین کاهنان شدند و تداوم شریعت را از طریق «تفسیر و نقل شفاهی» تضمین کردند. سنت شفاهی در ابتدا نظامی از گفتار و بحث میان مفسران و شاگردان ایشان بود. اما در قرن دوم میلادی، به دلیل پراکندگی یهودیان و خطر فراموشی، یهودا هناسی آن را در قالب «مشنا» مدوّن کرد. بر این اساس دو سطح از تدوین سنت شفاهی پدید آمد: این دو متن (مشنا + گمارا) در مجموع همان تلمود هستند که ستون فقه و الهیات حاخامی محسوب می‌شود (Brandes, 2019). اما فهم آن چگونه میسر می‌شد و آیا امکان استنباط احکام و فرامین الهی برای همگان میسر بود؟

در سنت اسرائیلی باستان، مشروعیت دینی بر وحی مستقیم و منصب کاهنی استوار بود. کاهنان از نسل لاوی و هارون بودند و قدرت خود را از نسب و نظام معبدی می‌گرفتند. اما پس از ویرانی معبد دوم (۷۰ م.)، این اقتدار نابود شد و جامعه یهودی با بحران مشروعیت مواجه گردید. در چنین شرایطی، حاخام‌ها با تکیه بر تفسیر مستمر سنت شفاهی، اقتدار جدیدی پدید آوردند. اقتداری نه مبتنی بر نسب یا قربانی، بلکه بر دانش و استدلال فقهی، بر این اساس حاخام‌ها منزلتی متمایز یافتند که ابعادی جدید به حوزه فعالیت ایشان می‌بخشید و بسته به میزان منزلتی که می‌یافتند از مکانات اجتماعی و سیاسی نیز برخوردار می‌شدند. ابعاد منزلتی حاخام‌ها مبتنی بر شقوق مختلف بود: منزلت دانایی (میزان تسلط بر تلمود)، منزلت اخلاقی (الگو بودن در رعایت شریعت)، منزلت اجتماعی (میانجی‌گری میان مردم و اقتدار بیرونی مانند دولت، خلافت، امرا یا شاهزادگان) و بالاخره منزلت نمادین (به عنوان نماینده تداوم عهد الهی در نبود معبد دوم).

در یهودیت، روش استنباط از سنت شفاهی و به تعبیری اجتهاد دینی، مبتنی بر دیالکتیک و مناظره و بحث و جدل فقهی با چند ویژگی کلیدی بود: مجادلات علمی میان مدارس و دیدگاه‌های متفاوت (مخالوکت)، استخراج احکام شرعی و شیوه‌های اجرای آن (هالاخا)، بخش تفسیری و روایی و اخلاقی (اگادا) و فن و هنر استدلالی احکام و کلام برای حل تعارضات متنی فقهی و کلامی (پیلپول) (B. S. Jackson, 2004). حل و فصل همه اینها به طبقه‌ای از مفسران نیاز داشت و از اینجا بود که حاخام‌ها نقش و مرتبت و منزلت یافتند. سنت شفاهی نه فقط متون فقهی، بلکه ساختار اقتدار دینی جدیدی را ایجاد کرد. نظام حاخامی مبتنی بر سنت شفاهی پیامدهای گسترده‌ای داشت. نخست این که به تداوم فرهنگی کمک می‌کرد تا در غیاب سرزمین و معبد، یهودیت از طریق حفظ و استمرار سنت تفسیر، باقی بماند. دو دیگر آن که به خودمختاری جوامع پراکنده در سراسر جهان، بدون نیاز به مرکزیت واحد کمک می‌کرد. حاخام‌ها نقش قاضی، معلم و رهبر اجتماعی را توأمان ایفا می‌کردند. سوم آن که به تولید سرمایه فرهنگی درون دینی منجر می‌شد. آشنایی با تلمود، تفسیر آن و فهم برتر، معیار منزلت اجتماعی و فرهنگی و البته دین می‌شد. نکته چهارم آن که این روند به تشکیل، توسعه و انسداد طبقاتی ختم می‌شد که تنها نخبگان آموزش دیده اجازه تفسیر و داوری داشتند. نکته آخر آن که دیانت یهودی به جهت‌گیری عقلانی نیز ختم می‌شد. تلمود به مثابه نظامی از قواعد استدلالی، بر عقلانیت فقهی استوار می‌شد و از الهام عرفانی که چندان قابلیت دفاع و آموزش نداشت، فاصله می‌گرفت.

وبر در تحلیل اقتدار دینی معتقد است اقتدار زمانی پایدار می‌ماند که معنای مشروع بودن درونی شود. در این دوره، حاخام‌ها با تأکید بر پیوند مستقیم با سلسله نقلی از حضرت موسی (ع)، تعهد به بحث و استدلال جمعی در مدارس و ایجاد عرف تلمودی به عنوان داوری نهایی اقتدار خود را مشروع و عقلانی جلوه دادند. در سده‌های سوم تا پنجم میلادی، مدارس بابل در سورا، پومبیدیتا و فلسطین، شرح مشنا را گسترش

دادند. در این دوره، اقتدار کاریزماتیک استادان به تدریج در چارچوبی آموزشی و روشمند نهادینه شد. در همین ایام نوعی از دیوان سالاری دینی شکل گرفت و شبکه‌ای از یشیوها (مدارس تلمودی) با درجات آموزشی و مناصب مختلف تأسیس شد. سلسله‌مراتب میان ربای‌های محلی، راس یشیوا (رئیس حوزه) و گائون. نیز پدیدار شد. پس از پایان دوران گائونیم (قرن ۱۰ م.)، جهان یهودی از مرکزیت بابل خارج شد و مراکز جدیدی در اسپانیا، شمال آفریقا، فرانسه و اروپای شرقی پدید آمد. این جابجایی ژئوفرهنگی باعث شد اقتدار حاخامی از «نظام متمرکز» به «نظام پراکنده محلی» تبدیل شود. به تعبیر وبر، اقتدار از نوع عقلانی-نهادی مرکزی به اقتدار منزلتی متکثر و منطقه‌ای گذر کرد. از قرن ۱۶ تا ۱۸ م. پس از اخراج یهودیان از اسپانیا و گسترش جوامع در عثمانی، لهستان و لیتوانی، اقتدار حاخامی وارد مرحله‌ای تازه شد. تمرکز بر حیات اجتماعی و جمعی شکل متفاوتی گرفت و حاخام، رهبر مذهبی، قاضی، آموزگار و میانجی با دولت‌های محلی شد. نظام شورای جماعت و اقتدار ربّی در قالب نهادهای محلی و شبه‌مدنی نهادینه شد (Zeitlin, 1940).

در حیات حاخامی، دو قرن هجده و نوزدهم را می‌توان یک نقطه عطف بسیار مهم دانست. یهودیان در اروپا با دو دگرگونی عظیم روبه‌رو شدند. روشنگری یهودی که منادی دعوت به عقلانیت، آموزش مدرن و اصلاح دینی بود به اوج خود رسیده بود و می‌کوشید یهودیت را با نظام جدید آشتی دهد و اقتدار نظام حاخامی را به چالش کشیده بود. نقطه عطف دوم آن که مفهوم رهایی و خروج از گتو و ممزوج شدن با جوامع پیرامونی و خروج از سیطره حاخامی و ورود به عصر مدرن نصبح گرفته بود. منزلت حاخامی که پیش‌تر بر جدایی از جهان بیرون استوار بود، در جامعه باز تهدید شد. روشنفکران یهودی، از جمله موسی مندلسون، خواهان تطبیق دین با عقل مدرن شدند. اقتدار سنتی ربّی‌ها

با ظهور جریان های رفومی، محافظه کار و ارتدوکس چندپاره شد و برای نخستین بار اقتدار حاخامی دچار چالش های جدی شد. تقسیم منزلت میان حاخام و رهبران سکولار حاکی از ظهور نخستین نشانه های دوگانگی قدرت دینی و اجتماعی بود که با وقوع هاسکالا و ترویج تفکرات اصلاح طلبانه جدید (موسی مندلسون) در حوزه رهبری، قانون، تفسیر و همسویی با دوران جدید همراه بود (Jones, 2024).

در این مرحله، برخی از حاخام ها مثل سامسون رافائل هیرش کوشیدند کاریزمای سنتی را در قالب ایدئولوژی های نو همچون یهودیت ارتدوکس مدرن بازسازی کنند. در واقع، اقتدار از منزلت سنتی به منزلت ایدئولوژیک و هویتی انتقال یافت. در قرن بیستم، با ظهور صهیونیسم و تأسیس اسرائیل (۱۹۴۸)، اقتدار حاخامی برای نخستین بار پس از دو هزار سال در درون دولت یهودی به شکلی سازمان یافته و با تکیه بر اقتداری قانونی بازتعریف شد. گرچه رقابت ها در این حوزه سنگین است و البته منزلت حاخام های ارتدوکس خارج از دولت نیز همچنان مورد پذیرش و توجه و اهتمام قرار دارد (Kampinsky, 2006).

جمع آوری و انباشت و تکمیل این سرمایه حاصل تعامل چهار عنصر مهم و اساسی در طول تاریخ است. این عناصر مختلف در طول زمان به تدریج با یکدیگر ممزوج شده و بنیان های هویتی یهودی را قوام و دوام بخشیده اند. تعامل این عناصر در ادوار مختلف گرچه قوت و ضعف و فراز و فرود های متفاوتی را تجربه کرده و گاه به مویی رسیده اما هیچ وقت پیوند میان آنها از میان نرفته و در کشاکش ایام و حوادث، قوت و بنیه بیشتری یافته است. این امتزاج در دوران اخیر و برپایی دولت صهیونیستی به اوج خود رسیده است:

• **حاخام:** محور اصلی این نظام، حاخام است. حاخام نه تنها یک رهبر مذهبی، بلکه یک معلم، قاضی و مشاور نیز هست. او با دانش عمیق خود در تورات، تلمود و سایر متون دینی، به تفسیر شریعت و ارائه راهنمایی به جامعه می پردازد.

- **بیت دین (دادگاه مذهبی):** بیت دین متشکل از حداقل سه حاخام است که به عنوان یک دادگاه مذهبی عمل می‌کنند. این دادگاه به مسائل مختلفی از جمله ازدواج، طلاق، مسائل مالی و اختلافات بین افراد رسیدگی می‌کند.
- **جامعه:** جامعه یهودی نقش مهمی در اعتباربخشی به حاخام‌ها و تصمیمات آنها دارد. اجماع جامعه و پذیرش رهبری حاخام، از عوامل اصلی قدرت و نفوذ اوست.
- **متون مقدس:** تورات، تلمود، میدراش و سایر متون دینی، منبع اصلی دانش و شریعت یهودی هستند و حاخام‌ها با تکیه بر این متون، به تفسیر و ارائه احکام می‌پردازند.

الف- نظام حاخامی در دین یهود (با تأکید بر دوره قبل از تاسیس دولت)

نظام حاخامی، نقشی بسیار مهم و چندوجهی در دین و تاریخ یهود ایفا کرده است. در دایره‌المعارف یهود عنوان شده که حاخام‌ها، معلمان شریعت و رؤسای معنوی جوامع هستند (Rabbi, 1905, p. 294). نظام حاخامی به سیستمی از رهبری مذهبی، تفسیر متون مقدس و نظارت بر اجرای شریعت یهودی (هالاخا) گفته می‌شود که توسط حاخام‌ها انجام می‌گیرد. این نظام پس از تخریب دومین معبد اورشلیم در سال ۷۰ میلادی و از بین رفتن ساختار کاهنی، به تدریج شکل گرفت و به محور اصلی حفظ و تداوم یهودیت در طول تاریخ تبدیل شد. بیش از هزار سال است که یهودیت با سنت‌های حاخامی و بالعکس و به سان نگهبان شناخته شده است (Tabak, 1994). حاخام‌ها رهبران فرقه‌ای بودند که جانشین فریسیان شدند. فریسیان یکی از سه گروه بزرگی بودند که در طول دوره معبد دوم، همراه با «صدوقیان» و «اسنی‌ها» فعالیت کردند. فریسیان از سال ۱۵۰ قبل از میلاد به یک گروه متمایز از دیگر جامعه یهودی تبدیل شدند. در واقع، دوره دوم معبد، بستری بود که الهیات یهودی، آن‌گونه که امروز شناخته می‌شود، بر روی آن رشد و توسعه یافت. این فرقه علی‌رغم وسعت کوچکش (جمعیت حدوداً شش هزار نفری)، تا سال ۷۰ پس از میلاد

توانست با کنترل سنهدرین،^۱ کنترل سیاسی، قانونی و مذهبی بر تمامی یهودیان آن زمان را به دست آورد (Eitan Bar and Golan Brosh, 2019).

در چرایی جانشینی و جایگزینی حاخام‌ها به جای کاهنان تحلیل‌های بسیاری صورت گرفته است. به طور خلاصه آن که حاخام‌ها جایگزین کاهنان شدند زیرا معبد و ساختار کاهنی توسط رومیان نابود شد و امکان ادامه نقش آنان وجود نداشت، فریسیان/حاخام‌ها پیشاپیش یک مدل بدیل مبتنی بر دانش، شریعت و زندگی روزمره ایجاد کرده بودند، شبکه نهادی (کنیسه‌ها، مراکز آموزشی) داشتند و می‌توانستند رهبری جوامع پراکنده را به دست گیرند، الهیات منعطف آنان اجازه می‌داد دین بدون معبد و در کنیسه ادامه یابد، مرجعیت اجتماعی آنان به تدریج به اقتدار رسمی و فقهی تبدیل شد. بنابراین حاخام‌ها تنها به خاطر ویرانی معبد به قدرت نرسیدند بلکه پیشاپیش موفق شده بودند نوع جدیدی از رهبری دینی بدیل را بسازند که با نیازهای زمان هماهنگ‌تر بود.

بر اساس مطالب پیشین به نظر می‌رسد نظام حاخامی و حاخامیت، یک نهاد رسمی وابسته به دولت‌ها به این معنا که آزادانه در آنها تغییر و تحولی ایجاد نمایند، نبوده است. نظام حاخامی شکلی منطقه‌ای/محیطی داشته و بر اساس خواست و نیاز محیط به ایفای نقش می‌پرداخته و از کنترل متمرکز همانند مسیحیت یا حتی اسلام برخوردار نبوده است (Zohar, 2010). در طول زمان این رهبران مذهبی نقش‌ها و کارکردهای مختلفی بر عهده داشتند. نقش‌های حاخام‌ها را می‌توان به این صورت دسته بندی نمود:

- **رهبری مذهبی:** حاخام‌ها رهبران جوامع یهودی در سراسر جهان هستند و مسئولیت هدایت مذهبی، آموزش و ارشاد پیروان یهودیت را بر عهده دارند.

۱. Sanhedrin: دادگاه و شورای عالی یهودیان در باستان بود که از بیست و سه حاخام یا قاضی در هر شهر و یا ۷۱ قاضی از تمام شهرهای سرزمین باستانی اسرائیل به عنوان سنهدرین بزرگ تشکیل می‌شد.

- **تفسیر متون مقدس:** حاخام‌ها با تکیه بر دانش عمیق خود در متون مقدس یهودی (تورات، تلمود و میدراش)، به تفسیر و تبیین این متون می‌پردازند و احکام و آموزه‌های دینی را برای زندگی روزمره یهودیان تبیین می‌کنند.
 - **اجرای شریعت:** حاخام‌ها مسئول اجرای شریعت یهودی در جوامع خود هستند و در مسائلی مانند ازدواج، طلاق، ذبح شرعی، اعیاد و مراسم مذهبی، تصمیم‌گیری می‌کنند.
 - **آموزش:** حاخام‌ها نقش مهمی در آموزش دین یهود به کودکان و بزرگسالان دارند و در مدارس و کنیسه‌ها به تدریس متون مقدس و آموزه‌های دینی می‌پردازند.
 - **قضاوت:** در برخی جوامع یهودی، حاخام‌ها به عنوان قاضی در دادگاه‌های مذهبی نیز فعالیت می‌کنند و به حل اختلافات و صدور احکام شرعی می‌پردازند.
- اما نکته مهمی که در ورای همین این نقش‌ها می‌توان بدان اشاره کرد، موقعیت ممتازی است که این گروه در میان یهودیان به دلایل پیش گفته و لایه‌لای سطور، از آن برخوردارند. اقتدار حاخامی به ایشان نقش و جایگاهی بی‌بدیل در طول زمان بخشیده که به تدریج بر قوت و قدرت آن افزوده شده است (Turkel, 1993). حاخام در جامعه یهودی به سان کشتیبانی است که وظیفه دارد کشتی (دین) و ساکنانش (یهودیان) را حفظ و به سلامت به مقصد تعالی و کمال مطلوب برساند. مأموریت او در همین دو نکته در طی قرون و اعصار تعریف و بر همان اساس نیز عمل شده است. در این میان، مفهوم «دعس تورا»^۱ یا «داوری تورات» نقش مهمی در اقتدار دینی حاخامیت ایفا کرده که به مفهوم لزوم مراجعه مردم به اندیشمندان و حکیمان توراتی برای فهم بیشتر مسائل خود طبق شریعت یهود می‌باشد. بر اساس این مفهوم است که نیاز به موسسه و تشکیلات حاخامی نیز مطرح شده است (RAKEFFET-ROTHKOFF, 2023).

طبق نقش‌های محول شده به حاخام‌ها، بر اساس منابع ذکر شده در ابتدای این گفتار، منابع قدرت حاخام‌ها را می‌توان در دو نکته مهم خلاصه کرد؛ نخست دانش دینی؛ دانش عمیق حاخام‌ها در متون مقدس و شریعت یهودی، منبع اصلی قدرت و اعتبار آنهاست. بنابراین در تعامل با مخاطبان، حاخام‌ها برای تصمیم‌گیری در مسائل مختلف، به اجماع جامعه یهودی و سنت‌های پیشین نیز توجه می‌کنند. با توجه به تاریخ طولانی نظام حاخامی، تحولات زیادی در آن صورت گرفته است اما همواره تلاش شده است تا هویت یهودی را از گزند آفات مصون بدارد و آن را بنا به دیدگاه خود، حفظ نماید. در این میان به نظر می‌رسد که مدارس دینی یهودی، نقش عظیمی بر عهده داشته‌اند. دو دیگر دادگاه‌های شرعی؛ مبتنی بر قدرت مأخوذ از سنت و شرع که در سندهدین و دادگاه‌های شرعی جریان داشت، نظامی برای صلاحیت‌سنجی و انتصاب ضروری می‌نمود. در بسیاری موارد، حاخام‌ها توسط مراجع بالاتر یا مراکز یهودی شناخته شده یا احکام دینی (مانند انتصاب دو حاخام ارشد در ارتش) به این مقام منصوب می‌شوند. این موضوع به تمرکز و ساختارمندی نظام حاخامی کمک می‌کرد.

ب. نظام حاخامی در دولت یهودی

ب.۱. نمای کلی

پیدایش اسرائیل، در حقیقت نوعی به ثمر نشستن تلاش‌های نظام حاخامی برای تثبیت موقعیت خود در قالب یک دولت بود. دولت یهودی لنگرگاهی برای تفکر حاخامی بود که پس از قرن‌ها بتوانند آنچه مورد نظر ایشان بود را از قوه به فعل درآورند و دولتی تشکیل دهند که منعکس‌کننده نظرات و چارچوب‌های فکری آنان باشد. از این منظر می‌توان گفت که اصولاً شکل‌گیری نظام حاخامی در اسرائیل، متفاوت از سایر اماکن جهان است زیرا به آن فضای مورد نیاز حاکمیتی برای فعالیت داده شده است. رابینویچ این وضعیت خاص

نهاد حاخامی، دلیل این تفاوت عملکردی راسه عامل می‌داند: وجود قانونی در اسرائیل که هالاخا^۱ یا شریعت یهود را به عنوان مرجع حل و فصل همه امور مربوط به احوال شخصیه (شامل ازدواج، طلاق، مشروعیت تولد و تغییر دین) می‌شود، می‌داند و به دادگاه‌های حاخامی، موقعیتی مشابه دادگاه‌های مدنی می‌بخشد (RABBI, RABBINATE, 2007, pp. 18-19). همچنین وزارت امور دینی یهود، طی سال‌های زیادی در انحصار حزب ملی مذهبی (ارتدوکس) و البته حزب مذهبی شاس بوده و باعث شده که یهودیت ارتودکسی به عنوان یک خوانش مسلط بر دیگر گرایش‌های مذهبی در یهودیت، اعم محافظه کار و اصلاح طلب، برتری داشته باشد.

عامل دوم، ایجاد مناصب حاخام‌های اصلی یا اعظم ارتودکسی (اشکنازی و سفاردی) در نظام سلسله مراتبی خاصی است. هر شهری به نوبه خود، دو حاخام سفاردی و اشکنازی دارد. این حاخام‌های محلی و حاخام‌های ارشد توسط شوراهای مذهبی محلی انتخاب می‌شوند که از طریق یک سیستم پیچیده نمایندگی احزاب سیاسی و وزارت امور مذهبی نامزد می‌شوند. این شوراها متشکل از یهودیان ارتدوکس هستند. تمام انتصاب‌های حاخام‌ها باید توسط حاخام‌های ارشد و وزارت امور مذهبی تأیید شود. علی‌رغم این نظام سلسله مراتبی، برداشت‌های شخص ربی/حاخام از متون دینی استقلال عملی برای وی ایجاد می‌کند (Taragin-Zeller, 2021).

عامل سوم این واقعیت است که تقریباً بدون استثنا همه روسای مدارس علمیه یهودی موسوم به یشیواها، به دلیل آموزش‌های رسمی مذهبی، قبل و پس از مدرنیته نفوذ قدرتمندی در جامعه یهودی اعمال می‌کنند (Hakak, 2012, p. 12) پس از تأسیس اسرائیل این مدارس تحت مدیریت و به حزب آگودات اسرائیل تعلق دارند (روسای مدارس علمیه یهودی نیز عمدتاً به آن تعلق دارند)، حزب ملی مذهبی را به عنوان مرجع خود در نظر می‌گیرند.

۱. הַחֲכָמִים.

حاخام‌های ارشد که انتصاب خود را مدیون حمایت از ساختار ارتودوکسی می‌دانند، برای حفظ آن تلاش زیادی می‌کنند. در نتیجه، آنها از هر حرکتی که ممکن است به عنوان تغییر، تبدل یا اصلاحات تلقی شود، احساس نگرانی می‌کنند.

اما حزب آگودات اسرائیل چه جایگاهی در این میانه دارد و چه نقشی ایفا می‌کند؟ این حزب، به عنوان یک از قدیمی‌ترین احزاب یهودی در سال ۱۹۱۲ در اروپا تأسیس شد. هدف از تأسیس، رفع اختلافات متعدد میان گروه‌ها و چهار طیف مختلف یهودیان اروپایی (نئوآرتودوکسی آلمانی، ارتودوکسی مجارستانی، یهودیان توراتی لهستان و لیتوانی) و ایجاد وحدت و همسویی در بین آنان بود. ایده اصلی این حزب احیای اقتدار، احترام و صلاحیتی بود که به حکیمان و بزرگان دینی بر اساس تورات داده شده بود. فعالیت‌های این حزب، به تدریج در آمریکا هم توسعه یافت (RAKEFFET-ROTHKOFF, 2023, p. 27). بن‌گوریون از موقعیت برجسته این حزب و جایگاه او در نظام سیاسی آمریکا مطلع بود و آن‌گاه که در تدارک جلب حمایت یهودیان و احزاب مرتبط برای تأسیس اسرائیل برآمده بود (۱۹۴۷) و به سران و رهبران مؤثر نامه می‌نوشت، این حزب، به علت گستردگی و نفوذ، به طور خاص مورد توجه و اهتمام قرار داشت. بنابراین با توجه به سابقه، حضور مؤثر در فضای سیاسی، شبکه حامیان و توان بسیج مؤثر در راستای اهداف مدنظر در نظام اجرای شریعت یهودی از اهمیت خاصی برخوردار است.

علاوه بر شرایط و وضعیت کلی ترسیم شده درباره چگونگی عوامل شکل‌دهنده به عملکرد حاخام‌ها در دولت یهودی، به این ملاحظات باید دو مورد دیگر را نیز اضافه کرد. نخست تفاوت ماهیتی در نظام سلسله‌مراتبی حاخامی است که حاخام‌های اشکنازی، سنت حاخام‌های کلاسیک اروپای شرقی را ادامه می‌دهند که ساختارمند و دارای انضباط است، در حالی که حاخام‌های سفاردی به سنت‌های قدیمی جاری در خاورمیانه که عدم تمرکز و انطباق با محیط از اصول آن است پایبندی بیشتری نشان می‌دهند (Levi, 2023, p. 163).

دوم آن که کنیسه در اسرائیل، یک انجمن، موسسه یا گروهی با عضویت اعضای ثابت نیست. از این نظر وابستگی سازمانی و مدیریت گروهی شکل نمی‌گیرد و بر همان مبنا نیز تمرکز و نظام سلسله‌مراتبی هم بنیان ضعیف‌تری پیدا کرده است.

در تشریح برخی از سلسله‌مراتب دولتی پیشتر اشاره شد که حاخام‌های ارشد توسط دولت انتخاب می‌شوند (هشت حاخام اشکنازی، هشت حاخام سفاردی و دو حاخام ارشد ارتش). در کنار حاخام‌های ارشد، سلسله‌مراتب متشکل از قضات عالی‌حاکمی، استیناف و قضات دادگاه‌های ناحیه قرار دارد که از لحاظ حقوق و امتیازات، به عنوان قضات مدنی دسته‌بندی می‌شوند. در مرحله بعدی از نظر اهمیت و دریافت حقوق از هیئت‌های مذهبی، انبوهی از حاخام‌ها قرار دارند که به عنوان کارگزاران مذهبی با وظایف خاص و محدودی مانند بازرسی کوشر^۱ (غذای حلال یهودی)، پایبندی به انواع مختلف قوانین کشاورزی، آموزگاران دینی و نظایر آن فعالیت می‌کنند. در رتبه بعد، حاخام‌های منطقه‌ای قرار دارند که توسط شوراهای مذهبی منصوب می‌شوند.

پایین‌ترین سطح هرم نظام حاخامی، حاخام یک کنیسه است. آنها از نظر مالی کمترین پاداش را دارند. تعداد کمی از کنیسه‌ها به این حاخام‌ها دستمزدی برای زندگی پرداخت می‌کنند. آنها عمدتاً به وظایف دیگری برای امرار معاش خود وابسته هستند. در ابتدا انتصاب آنها عمدتاً به صورت دوفاکتور شروع می‌شود. در نتیجه فقدان پیوند شخصی بین حاخام و افراد مراجعه‌کننده به کنیسه، هیچ چیزی در حاخامیت اسرائیل وجود ندارد که به جنبه کشیشی کار حاخام مدرن اروپایی نزدیک شود: ازدواج توسط مقامات رسمی شوراهای مذهبی محلی انجام می‌شود، مراسم تشییع جنازه توسط سازمان‌های مختلف «جورا کادیشا»^۲

۱. Kosher: در متون فقهی یهود، «کوشر» فقط برای غذا به کار می‌رود، اما در گفتار عمومی (به ویژه در اسرائیل) به هر چیزی که «مورد تأیید شرع» باشد اطلاق می‌شود. برای پرهیز از ابهام، یهودیان متدین برای امور غیرغذایی از اصطلاح «هلاخایی» (Halakhic) استفاده می‌کنند.

۲. hevra kaddisha. سازمان کفن و دفن یهودی :

انجام می‌شود، عیادت از بیمار به عنوان وظیفه حاخام یک کنیسه در نظر گرفته نمی‌شود. فعالیت‌های فرهنگی نیز به غیر از موعظه توراتی،^۱ مانند کار داوطلبانه جوانان و فعالیت‌های خیریه، توسط سایر سازمان‌ها انجام می‌شود. تأثیر کلی این وضعیت این است که حاخام‌های آموزش دیده غربی، حتی یهودیان ارتدوکس، به سختی می‌توانند جایی در میان حاخام‌های اسرائیل پیدا کنند. از میان همه کسانی که مهاجرت کرده‌اند، تعداد کمی به سمت حاخام در اسرائیل منصوب شده‌اند و بیشتر آنها در حوزه‌های دیگر امرار معاش می‌کنند (RABBI, RABBINATE, 2007, pp. 18-19). به عبارتی دیگر می‌توان گفت که نوعی طبقه‌بندی از پیش تعیین شده یعنی زنجیره سلسله‌مراتبی در نظام حاخامی مشهود است به گونه‌ای که نفوذ در حلقه‌های بالایی برای خارجی‌ها امری دور از دسترس بوده و اگر کسی نیز در جمع حاخام‌ها قرار گیرد در نهایت در حد مدیریت یک کنیسه است که چندان اختیارات و حوزه فعالیت برای آن وجود ندارد. این کار می‌تواند تلاشی برای حفظ ارزش‌های معنوی فردی و نه رسیدن به مناسب و مقام‌های بالای حاخامی و سیاسی تلقی شود.

ب. ۲. نهاد حاخام اعظم در دولت یهودی

نهاد حاخام اعظم در سال ۱۹۲۱ و در زمان قیمومیت بریتانیا تأسیس شد و امروزه بر اساس قانون حاخام اعظم (اصلاح شده در سال ۱۹۸۰) فعالیت می‌کند. به عبارت دیگر، زیر نظر وزارتخانه خدمات مذهبی فعالیت می‌کند ولی از استقلال نسبی برخوردار بوده و تابع قطعی و رسمی وزارتخانه نیست. قانون حاخامیت اعظم، تا حدود زیادی بیانگر سلسله‌مراتب حاخامی در اسرائیل است و اصولاً به نظر می‌رسد که سنگ بنای قانونی برای وجود نظام حاخامی است. نهاد حاخام اعظم، بر مسائل بسیاری از جمله ازدواج، طلاق، تغییر آیین، غذای حلال یهودی اعم از مقررات و گواهی‌نامه، کفن و دفن یهودی،

1. shi'urim.

پرداختن به امور مذهبی مهاجران به اسرائیل، حمام‌های مقدس مذهبی،^۱ یشیواها و دادگاه‌های حاخامی، نظارت دارد. در بخش اداری، تابع قوانین و مقررات وزارت امور مذهبی است. حاخام اعظم بر اساس سنتی قدیمی انتخاب می‌شود. انتخابات برای مناصب حاخام اعظم هر ده سال یکبار برگزار می‌شود. انتخابات توسط یک مجمع انتخاباتی که ۱۵۰ عضو دارد و اکثر آنها در زمره رجال دینی، اعضای کنست، مقامات محلی و رؤسای شوراهای مذهبی شناخته می‌شوند (شامل ۸۰ حاخام و ۷۰ مقام منتخب) برگزار می‌شود. (Ariel. Finkelstein, Ayala Goldberg, 2024)

تقسیم وظایف بین حاخام‌های ارشد اسرائیل

الف) در طول نیمی از دوره تصدی حاخام‌های اعظم اسرائیل، یکی از آنها به عنوان رئیس شورا و دیگری به عنوان رئیس دادگاه بزرگ حاخام‌ها عمل خواهد کرد و در نیمی دیگر ترتیبات معکوس خواهد شد. حاخام اعظم اسرائیل که به عنوان رئیس دادگاه بزرگ حاخام‌ها عمل می‌کند، نباید وظایف یا اختیاراتی را که به طور قانونی یا عرفاً به رئیس شورا واگذار شده است، انجام دهد.

ب) ظرف هفت روز از تاریخ شروع تصدی خود، حاخام‌های اعظم اسرائیل با توافق، ترتیب انجام وظایف خود را تعیین خواهند کرد. اگر به توافقی که در بالا گفته شد نرسیدند، کسی که مدت طولانی‌تری در اسرائیل به عنوان دایان خدمت کرده است، یا اگر فقط یکی از آنها خدمت کرده باشد، این یکی، رئیس دادگاه بزرگ حاخام خواهد بود. در صورتی که مدت خدمت آنها به عنوان دایان یکسان باشد یا هیچ یک از آنها به عنوان دایان خدمت نکرده باشند، بزرگتر حق دارد ترتیب انجام وظایف آنها را تعیین کند.

۱. میکوه در یهودیت به حمام‌های مخصوصی گفته می‌شود که شبیه حوض هستند و در مراسم مذهبی نظیر ازدواج، پذیرش اغیار به دین یهود، تطهیر اشیاء و مانند آن به کار می‌رود. متولی این حمام‌ها وزارت امور دینی است.

درباره حاخام اعظم اسرائیل باید گفت که پس از اتمام دوره اسحاق یوسف^۱ حاخام اعظم سفاردی و دیوید لائو^۲ حاخام اعظم اشکنازی که هر دو در سال ۲۰۱۳ کار خود را آغاز کرده بودند، تا سال ۲۰۲۴ یعنی بیش از یک سال، دولت یهودی حاخام اعظم نداشت زیرا بنا به دلایل سیاسی به ویژه انحصارطلبی حزب صهیونیسم یهودی که نماینده اقشار صهیونیست دینی به ویژه متعصبان دینی ساکن در کرانه باختری است، برای معرفی کردن کاندیدای خود به سمت حاخام اعظم، عناصر ذی نفع، مانع برگزاری انتخابات شورای حاخامیت اعظم می شدند. سرانجام کالمن بر^۳ به سمت حاخام اشکنازی اعظم و دیوید یوسف^۴ به عنوان حاخام اعظم سفاردی معرفی شدند (Wagner, ۲۰۲۴).

ب.۳. دادگاه‌های حاخامی

بر اساس اطلاعات مندرج در وبگاه دادگاه‌های حاخامی (2020, «יינברה יידה יתב תודוא»), این دادگاه‌ها بخشی از سیستم قضایی دولتی هستند. آنها صلاحیت انحصاری ازدواج و طلاق توسط یهودیان و صلاحیت موازی با دادگاه‌های منطقه در مسائل مربوط به احوال شخصیه، نفقه، نفقه فرزند، حضانت و ارث را دارند. احکام دادگاه‌های مذهبی - در مورد سیستم دادگاه‌های مدنی - توسط پلیس و سایر سازمان‌های اجرایی، ضمانت و اجرا می شود. دادگاه‌ها در دو سطح فعالیت می کنند: دادگاه‌های منطقه‌ای و دادگاه اعظم. رئیس دادگاه حاخامی، رئیس دادگاه اعظم، یکی از دو حاخام اعظم اسرائیل است. در کنار او مدیر دادگاه‌های ربانی (حاخامی) قرار دارد و نظام را مدیریت می کند.

مدیریت دادگاه‌های حاخامی: دوازده دادگاه حاخامی منطقه‌ای در شهرهای بزرگ در سراسر اراضی اشغالی وجود دارد. این دادگاه‌ها از نظر اداری تحت نظر مدیریت دادگاه‌های ربانی

1. Yitzhak Yosef.

2. David Lau.

3. Kalman Ber.

4. David Yosef.

است که یک واحد امانی در وزارت خدمات دینی است. وزیر خدمات دینی مسئول واحد امانت است. کارمندان دادگاه‌های حاخامی، کارمندان اداری هستند که از طریق کمیسیون خدمات مدنی به سمت خود منصوب می‌شوند. قضات دادگاه‌های حاخامی توسط کمیته انتخاب قضات انتخاب می‌شوند. این کمیته از یازده عضو تشکیل شده است: دو حاخام اعظم اسرائیل، دو قاضی دادگاه عالی، دو وزیر، دو عضو کنست، دو وکیل و یک حاخام زن. دادگاه حاخام اعظم به عنوان دادگاه تجدید نظر علیه احکام دادگاه‌های ربانی منطقه‌ای عمل می‌کند. تصمیمات دادگاه اعظم حاخامی، قابل بررسی توسط دیوان عالی دادگستری (دادگاه عالی) است.

ساختار سیستم قضایی دادگاه‌های حاخامی و اختیارات آن: رویه‌های رسیدگی در دادگاه‌ها توسط مقررات مربوط به دادرسی در دادگاه‌های حاخام در اسرائیل تنظیم می‌شود. دادگاه‌های حاخامی به جز تصمیمات موقت و مسائلی که قانون و هلاخا اجازه می‌دهد که توسط یک قاضی مورد بحث و تصمیم‌گیری قرار گیرد، در قالب سه قاضی فعالیت می‌کنند. رئیس سیستم دادگاه حاخامی، رئیس دادگاه حاخام اعظم است که یکی از دو حاخام اصلی اسرائیل است. به موجب قانون، اختیارات مختلفی به او سپرده شده است. از جمله برای اعمال مجازات برای امتناع‌کنندگان از طلاق و اعطای جواز ازدواج به زوج و نیز برای انتقال پرونده از دادگاهی به دادگاه دیگر و تغییر مسیر قضاوت و شعبه رسیدگی‌کننده، تأیید وی ضروری است. دادگاه ربانی که به امور طلاق رسیدگی می‌کند، در صورتی که قبل از ثبت طلاق در این خصوص در دادگاه خانواده مطرح نشده باشد، صلاحیت رسیدگی به کلیه امور مربوط به حضانت فرزند را نیز دارد که در ماهیت خود طلاق دخیل است.

گفتنی است که چون این دادگاه‌ها عموماً به نفع مردان حکم می‌دهند، بسیاری از زنان اسرائیلی، درصدد طرح دعوای طلاق و خانواده در دیگر محاکم مدنی هستند اما حاخام‌های اسرائیلی که دوست ندارند سلطه آنها به چالش کشیده شوند، عموماً با صدور

فتواهایی در ممنوعیت این کار، تلاش مضاعفی مبذول می‌دارند که خود را به عنوان تنها مرجع صالح رسیدگی معرفی نمایند.

ب.۴. وزارت امور مذهبی

این وزارتخانه مسئول طراحی و ارائه انواع و اصناف خدمات مذهبی به یهودیان داخل است و به کلیه امور مربوط به ارائه این خدمات رسیدگی می‌کند. این نهاد وظایف خود را از طریق واحدهای مرکزی و محلی با همکاری مقامات محلی انجام می‌دهد. بر اساس مطالب کتابخانه مجازی یهود (Israel Cabinet Ministries: Ministry of Religious Services, n.d) و همچنین تعریف وزارت خدمات مذهبی از خود (דיראט דא, תד יתורישל דרשמה תודוא)، وزارتخانه وظایف زیر را انجام می‌دهد:

- اعطای مجوز به گروه‌های مذهبی به موجب قانون. تامین بودجه برخی نهادهای مذهبی، تصویب بودجه نهادها و خدمات مذهبی، نظارت بر نحوه هزینه کرد بودجه، تعیین برنامه‌ها و رویه‌های عملیاتی یکسان برای واحدهای مذهبی؛
- کمک مالی به یثیواها برای حمایت از مطالعه تورات، نوسازی و ساخت تأسیسات فیزیکی و حمایت از مؤسسات توراتی؛
- برنامه‌ریزی و کمک مالی برای ساخت و ساز و نوسازی کنیسه‌ها و حمام‌های آیینی؛
- حفظ نظم عمومی، نظارت، حفاظت و نگهبانی از اماکن مقدس یهودیان؛
- برنامه‌ریزی فعالیت‌هایی برای آموزش تورات به عموم مردم؛
- ترویج فعالیت‌های تبلیغی دینی و حمایت از سازمان‌های فعال در انتشار اطلاعات دینی؛
- سازماندهی، اجرا و شرکت در جشن‌های مذهبی و ترویج سنت سبک زندگی مذهبی یهودیان؛

- تقویت پیوندهای مذهبی با یهودیان دیاسپورا؛
- گواهی برای رعایت غذای حلال در مؤسسات عمومی و دولتی؛
- کمک به حفظ خدمات مذهبی به گروه‌های مختلف غیریهودی در اسرائیل و رسیدگی به نگرانی‌های آنها؛
- آموزش تکمیلی دینی برای جوانان بی بضاعت؛
- ارائه خدمات آیینی به مهاجران جدید، مؤسسات آموزشی و دانش‌آموزان بی بضاعت؛
- حمایت از حاخام اصلی؛
- مدیریت دادگاه‌های حاخامی.

درباره شوراهای مذهبی در اسرائیل، باید گفت که شورای مذهبی در هر جامعه، نهاد اصلی نمایندگی وزارت در ارائه خدمات مذهبی به مردم است. آنها توسط حاخام‌های محلی و نهادهای اجرایی محلی کمک می‌شوند. شوراهای رعایت غذای حلال در حوزه جغرافیایی و قضایی خود نظارت می‌کنند و بخش‌های ازدواج، کنیسه، حمام‌های آیینی، کلاس‌های تورات و غیره را حفظ می‌کنند. آنها به جز در شهرهای بزرگ، خدمات تدفین نیز ارائه می‌کنند. شوراهای مذهبی بر اساس قانون خدمات دینی فعالیت می‌کنند که نحوه تشکیل هیئت‌های مذهبی، اختیارات و منابع بودجه آنها را مشخص می‌کند. اعضای یک شورای مذهبی هم‌اندازه اعضای شورای نهادهای محلی مربوط است. ۴۵ درصد نامزدهای شوراهای مذهبی توسط وزیر امور مذهبی، ۴۵ درصد توسط نهادهای محلی و ۱۰ درصد توسط حاخام‌های محلی معرفی می‌شوند (Israel Cabinet Ministries: Ministry of Religious Services, n.d). بر اساس اطلاعات مربوط به سال ۲۰۲۲ که از وبگاه وزارت خدمات دینی اخذ شده است، حدود ۱۲۹ شورای مذهبی در اراضی اشغالی وجود دارند (توיתد תוצעומ תמישר תויתד תוצעומ). بر اساس اطلاعات کتابخانه مجازی یهود، این تعداد، به ۱۷۰ شورا بالغ می‌شده است.

وزارت امور مذهبی، علاوه بر اداره دادگاه‌های حاخامی، حاخام ارشد و شوراهای مذهبی، ادارات دیگری هم دارد؛ از جمله اداره حاخامی، اداره حمام‌های دینی، اداره موسسات یشیوا و توراتی، اداره امور تدفین و اداره امور رایانه‌ای.

شایان ذکر است که درباره یشیواها و موسسات یهودی، مصادیق متعددی در ذیل این مفهوم قرار دارند:

- کُلِل: یک مؤسسه توراتی برای مردان جوان متأهل است که تماماً خود را وقف مطالعه تورات می‌کنند.

- مِتیوتا^۲: برای پسران کلاس‌های ۷ تا ۹ است که تا اوایل عصر با برنامه درسی که به شدت بر مطالعات دینی متمرکز است، مطالعه می‌کنند.

- یشیوا^۳: دبیرستان/حرفه‌ای برای پسران ۱۴-۱۸ ساله است و مطالعات دینی را در قالب یشیوا با مطالعات سکولار ادغام می‌کند. فارغ‌التحصیلان مدرک تحصیلی یا دیپلم در رشته‌های علمی و فنی دریافت می‌کنند.

- یشیوا گِووها^۴: برای پسران ۱۸ سال و بالاتر، فقط موضوعات مذهبی را ارائه می‌دهد، برخی به عنوان آمادگی برای خدمت به عنوان حاخام، قضات دادگاه‌های مذهبی، و معلمان.

- هسدر یشیوا^۵: فارغ‌التحصیلان یشیواهای دبیرستانی و دبیرستان‌های مذهبی را که مایلند مطالعه تورات را با خدمت سربازی اجباری خود در واحدهای رزمی ارتش اسرائیل ادغام کنند، ثبت نام می‌کند. برنامه خدمات و مطالعه، به رسمیت شناخته شده و هماهنگ با مقامات ارتش اسرائیل است و پنج سال طول می‌کشد.

1. Kolel.

2. Metivta.

3. High school/vocational yeshiva.

4. Yeshiva gevoha.

5. Hesder yeshiva.

• یشیوا: برای افرادی که تازه به رعایت احکام روی آورده‌اند.^۱ این نوع یشیوا برای مردان و زنان بالای ۱۷ سال است که تصمیم دارند یک سال را صرف یادگیری و تمرین شیوه زندگی مذهبی کنند.

• اولپانا:^۲ یک مدرسه دخترانه است که برنامه درسی آن مشابه با دبیرستان یشیوا است. برخی از آنها همراه با ارائه تسهیلات مسکونی است، با کلاس‌های صبح تا عصر و حداقل ۱۶ ساعت درس دینی در هفته.

مقام اعطا و اختصاص بودجه: باید گفت که با توجه به حکم دادگاه عالی پیرامون لغو معافیت خریدی‌ها از سربازی (Sharon, 2024)، نوع اختصاص بودجه به یشیواها و مرکز توراتی که به فرار از خدمت سربازی به بهانه مطالعه تورات کمک می‌کنند تغییر یافته و عملاً تا حدودی متوقف شده است.

به طور کلی، در زمینه نسبت وزارت خدمات امور مذهبی با سایر اجزای مهم می‌توان گفت که این رابطه، تنها یک نسبت اداری و هماهنگی نیست بلکه در ضمن آن برای عملکرد بهتر نهادهای مربوط و نظارت بر آنها تلاش گسترده‌ای صورت می‌گیرد تا چهره مذهبی یهودیت ضمن حفظ سنت‌ها از درهم آمیختگی با مدرنیسم جلوگیری شود. تجربه‌های مکرر عقب‌نشینی درباره مظاهر مدرنیته، از تغییر و تبدل‌های بسیار بالحاظ هسته اصلی هالاخا طی دوران پس از تاسیس دولت یهودی حکایت می‌کند (Fisher, 2019).

علل ماندگاری نظام حاخامی

همانطور که اشاره شد، نظام حاخامی پس از تخریب معبد دوم، به تدریج جایگزین نظام کاهنی شد. این نظام بر پایه دانش، تفسیر متون مقدس و اجماع جامعه یهودی بر محوریت ایشان شکل گرفت. اجزای اصلی این نظام بر چهار رکن حاخامی (شخص حاخام،

1. Yeshiva for the newly observant.

2. Ulpana.

ساختار بیت دین، جامعه یهودی، متون مقدس) استوار شده است. این چهار رکن در تعامل سنتی/تاریخی با یکدیگر و در پی گذر زمان، ترکیب مؤثری پیدا کرده و با روی کار آمدن دولت یهودی، نقش و کارکرد بسیار متفاوت و جهش یافته‌ای نسبت به دوران قبل از تأسیس پیدا کرده‌اند. امتزاج این عناصر اربعه، رکن رکن دولت به ظاهر سکولار اما در باطن به شدت مذهبی شده است. گرچه تظاهرات سکولاریستی در قالب دولت، گه‌گاه بروز و ظهور متفاوتی در صحنه عمل پیدا می‌کند، اما دولت یهودی در حقیقت خالص‌ترین نوع نظام دینی تلقی می‌شود.

پایداری نظام حاخامی و دوام و قوام آن در طول تاریخ نشان می‌دهد که این ساختار توانسته است در تحکیم یهودیت قوم، نقش مؤثری ایفا کند. حفظ و حراست از دین و افزون بر آن دینداران طی بیش از ۲۵ قرن و فراز و فرودهای بسیار درون و برون دینی، از قدرت مدیریت بهینه‌ای حکایت می‌کند. اما این نهاد چگونه توانسته است از پس بحران‌های عظیمی چون یهودی‌ستیزی مسیحیان، اخراج از کشورهای مختلف اروپایی، مقابله با امواج سهمگین مدرنیسم، روند روبه‌گسترش سکولاریسم، شکاف‌های فرقه‌ای و درونی، تحولات قرن بیستم به‌ویژه برآمدن هیتلر و هولوکاست، برآید و قوم یهود را به سرزمین موعود برساند. فهم این توانمندی، به مخاطب کمک می‌کند تا از ایده صهیونیسم، تأسیس دولت یهودی، نقشه‌های مورد نظر برای منطقه و خواب‌های تعبیر نشده ایشان برای آینده منطقه درک عمیق‌تری پیدا کرد. علاوه بر نکات مهمی که در متن بدان اشاره شد که ساختار قضاوت را می‌توان از نقاط عطف آن دانست، مهمترین این دلایل را می‌توان چنین برشمرد:

- ساختار منسجم و ریشه‌دار: همچنانکه در تشریح چگونگی شکل‌گیری و سلسله‌مراتب حاکم بر نظام حاخامی ذکر شد، این ساختار دارای سابقه‌ای تاریخی و ریشه‌دار با مجموعه‌ای از قوانین و زیرساخت‌های چندلایه است که در نهایت به مقام حاخام اعظم می‌رسد. این ساختار تشکیلاتی با ظرفیت‌های مالی و انسانی قابل توجه

می‌تواند زمینه‌ساز بقای نظام حاخامی باشد به‌ویژه اینکه در دوران‌های مختلف نظام مذکور توانسته به بروزرسانی شده و و خود را با شرایط روز همسان سازد.

حضور در عرصه سیاست: از جمله مؤلفه‌های نظام حاخامی جایگاه و ظرفیت‌های آن در ساختار سیاسی است به‌گونه‌ای که دولتمردان اسرائیل از یک سو نیازمند توجه به آن هستند و از سوی دیگر، نظام حاخامی توانسته است طی سال‌های مدیدی در قالب احزاب و جریان‌های مذهبی نقشی تأثیرگذار در شکل‌گیری دولت‌ها و مصوبات کنست داشته باشد. این نکته غیرقابل چشم‌پوشی است که مشارکت سیاسی احزاب وابسته مذهبی (شاس، یهودوت هتوراه، صهیونیسم داتی جمعاً با ۲۳ کرسی در کنست ۲۵) به آنها قدرت اجرایی قابل توجهی بخشیده و ضمن تقویت جریان راست‌گرایی در جامعه اسرائیل، اهداف خود در دولت را با قدرت پیگیری کند. انفصال کرانه باختری از سلطه خودگردان و تصویب انضمام آن به اسرائیل از مهمترین اهدافی است که این مجموعه توانسته با رای بالای کنست آن را محقق کند. (<https://www.aljazeera.com/news/2025/7/23/israeli-parliament-approves-> symbolic-motion-on-west-bank-annexation, 2025)

این ظرفیت پنهان و آشکار سیاسی از مؤلفه‌های مهم بقای نظام حاخامی خواهد بود؛ به‌ویژه آنکه دولت‌های حاکم بر این رژیم، برای اجرای برخی سیاست‌های ضد فلسطینی و ضد اسلامی نیازمند بهره‌گیری از دستورات و تأییدیه‌های نظام حاخامی می‌باشند. پس از حمله هفتم اکتبر، مجوزهای لازم برای مشارکت در ارتش (موقت) صادر شد و از سوی دیگر تخریب گسترده غزه، بازداشت و حتی کشتار فلسطینی با فتوای این افراد با توجیهات دینی و اعتقادی صورت می‌گیرد. نکته اساسی آن است که ماهیت اسرائیل با ادعای دولت یهود عجین شده است و حذف ماهیت دینی از آن، به معنای فروپاشی تار و پود توجیه سیاست‌مداران برای ادامه بقای خویش و اشغالگری بیشتر است. لذا حفظ نظام حاخامی برای حفظ بقای کشور و البته رهبران آن یک ضرورت انکار ناپذیر است (Shetreet, 2014) (Freedman, 2020).

• پایبندی اعتقادی مذهبی‌ها: هر چند که حاکمیت یهودی مدعی است که جامعه‌ای سکولار را اداره می‌کند اما همچنان بخش عمده‌ای از جامعه دارای اعتقادات مذهبی سنتی بوده که عموماً نسل‌های گذشته را تشکیل می‌دهد. در همین حال همچنان خریدی‌ها که از ارکان نظام حاخامی می‌باشند دارای ظرفیت و جایگاه بالایی می‌باشند؛ در عین آن که همچنان جوانانی هستند که برای نرفتن به خدمت سربازی و برخورد ارشدن از برخی معافیت‌ها، ترجیح می‌دهند که به جمع پایگاه اجتماعی نظام حاخامی و هواداران آن پیوندند. نکته قابل توجه آن که نظام حاخامی همچنان در میان جریان‌ها و طرفداران افراط‌گرایی مبنی بر نابودی تمام فلسطینی‌ها و تسلط بر مسجدالاقصی و.... دارای پیروان بسیاری است. باید در این میان اشاره کرد که مذهبی‌ها در اسرائیل، تنها خریدی‌ها را شامل نمی‌شود بلکه عمدتاً منظور، طیف ملی مذهبی است که در کنار اعتقاد به صهیونیسم و ناسیونالیسم یهودی، بر یهودی بودن خود و یهودی نگه داشتن دولت نیز اصرار دارند.

• ارتباط با حاخامیت جهانی: چنانکه ذکر شد نظام حاخامی صرفاً معطوف به درون اسرائیل نمی‌شود بلکه ساختاری جهانی است که دارای ارتباطات گسترده درونی و بیرونی است. این نظام حاخامی در کنار رویکرد حفظ انسجام داخلی، در لابی‌ها و ساختارهای اقتصادی سیاسی کشورهای مختلف از جمله آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان نفوذ بسیاری داشته و با تکیه بر این ارتباطات می‌توانند ماهیت و آینده نظام حاخامی را حفظ نمایند.

منابع مالی: استقلال نهادی مهمترین بخش علت ماندگاری نظام حاخامی تلقی می‌شود. تأمین مالی نظام حاخامی از چند مسیر صورت می‌گیرد. سازوکارهای مالی نظام حاخامی در اسرائیل (ربانیوت) ترکیبی پیچیده از بودجه دولتی، درآمدهای اختصاصی و حمایت جامعه مذهبی است (Shetreet, 2014). ربانیت به عنوان نهاد دولتی-دینی، اقتصاد خود

را بر پایه ترکیب انحصار خدمات مذهبی و حمایت مالی دولت بنا کرده است. این نظام به عنوان نهاد رسمی دینی، از طریق سازوکارهای زیر تأمین مالی می‌شود:

بودجه دولتی که منبع اصلی تأمین مالی و از مسیر وزارت امور دینی تأمین اعتبار می‌شود. موارد هزینه‌کرد آن شامل حقوق حاخام‌های رسمی (شهری و منطقه‌ای)، هزینه‌های دادگاه‌های شرع (بیت دین)، نگهداری میکوه‌ها و البته نظارت بر کثروت (اعم از بازرسان و اداری) است. بر اساس آمار بانک مرکزی این رقم در حدود ۴۰ درصد نیازهای جاری برآورد شده است. در کنار بودجه مذکور، درآمدهای اختصاصی دیگری نیز وجود دارد. درآمدهای اختصاصی (غیردولتی) شامل گواهی‌های کثروت (رستوران‌ها، کارخانه‌ها و سوپرمارکت‌ها برای دریافت گواهی، سالانه هزاران تا ده‌ها هزار شِکِل می‌پردازند)؛ خدمات امور شخصیه (شامل ازدواج، طلاق، هزینه‌های گروش به یهودیت، کمک‌های مردمی، هدایا و نذورات و وقف و صندوق‌های خاص برای حمایت از خانواده‌های مذهبی فقیر)؛ دادگاه‌های شرعی، که کلیه هزینه‌های آن از طرفین اخذ می‌شود و منبع درآمد مهم و مستمری محسوب می‌شود (Department, 2025).

• انطباق‌پذیری: ماندگاری این نهاد محصول تعادل منحصربه‌فرد میان «پایداری سنت» و «انطباق‌پذیری» است. حاخام‌ها با تکیه بر متن مقدس (تورات و تلمود) و مکانیسم‌های تفسیری مشروع، هم هویت دینی را حفظ کردند و هم پاسخگوی چالش‌های جدید بودند. این نظام با تبدیل هر کنیسه به مرکز خودگردان دینی-اجتماعی، در سخت‌ترین شرایط نیز به حیات خود ادامه داد. انطباق‌پذیری حاخامی هرگز به معنای نفی سنت نیست، بلکه نشان‌دهنده ظرفیت این نظام برای حفظ هسته مقدس شریعت (برگرفته از تورات و اصول اخلاقی)، بازخوانی روش‌های عملی در چهارچوب هالاخا با تغییراتی متناسب با جامعه و نیازهایش، جلوگیری از انجماد دین در مواجهه با پیشرفت‌های بشری بوده است. این ویژگی، نظام حاخامی را به سازه‌ای فعال و پردوام تبدیل کرده است.

نتیجه گیری

نهاد حاخامی، یکی از نهادهای قبل از تأسیس دولت یهودی در سال ۱۹۴۸ بوده است. به طور کلی حاخام‌ها در دین یهودیت، همواره منشأ هویت دینی بوده‌اند و جامعه یهودی را از سایر جوامع، مجزا، منفرد و البته متمایز ساخته‌اند. در ابتدای تأسیس، طبق درخواست بن‌گوریون و برای جلب حمایت ارتودکس‌ها از این موجودیت، توافق شد که برخی امور، عمدتاً درباره احوال شخصیه مثل ازدواج، طلاق، نفقه، ارث، کثروت، مرگ و تدفین، دادگاه‌های مذهبی به حاخام‌ها سپرده شود. با تأثیرپذیری از این فضای سیاسی، حاخام‌ها در حاکمیت یهودی، موقعیت ممتاز اداری/اجرایی پیدا کرده و کارکردی متفاوت از خارج اراضی اشغالی پیدا کردند. با توجه به فرضیه گفته شده، می‌توان گفت که این نظام حاخامی بوده که توانسته هویت ساز شود و دولت یهودی را شکل بدهد. به عبارتی دیگر نظام حاخامی در طول چند دهه گذشته برآن بوده است تا از ماهیت ادعای دینی مؤسسان اسرائیل برای تقویت و ارتقای جایگاه و بقای خویش بهره گیرد و همچنان به عنوان یک ساختار اجتماعی، هویتی، فرهنگی و البته سیاسی ایفای نقش نماید.

از سوی دیگر با توجه به مطالب گفته شده در متن پیرامون شورای عالی حاخامی، نهاد حاخامیت، دادگاه‌های حاخامی و وزارت خدمات مذهبی، مجموعاً و در ترکیب با هم، تشکیلاتی را در قالب نظام حاخامی ایجاد نموده‌اند که البته کارکرد بیشتر، به شوراهای مذهبی محلی در سطح اول و قاعده هرم این تشکیلات اختصاص دارد. زیرا با زندگی روزانه مردم در نهادهای محلی و نظارت بر امور یهودی (غذای حلال و تسری فقه به همه امور جامعه) سروکار دارد. شاید بتوان گفت که دادگاه‌های حاخامی نیز در سطح دوم قرار دارند. دادگاه‌هایی که احوال شخصیه اسرائیلی‌های یهودی را بررسی می‌کنند و افراد، در زمینه امور مختلف از جمله ازدواج و طلاق با آن سروکار دارند. دادگاه‌هایی

که عموماً نظر مساعدی را در میان شهروندان اسرائیلی (نه صرفاً یهودیان متدین) به خود اختصاص نداده‌اند. در سطح بالاتر، شورای عالی حاخامی قرار دارد که به نوبه خود، حاخامیت اعظم دولت یهودی را انتخاب می‌کند. همه اینها، در زمینه هماهنگی و تنظیم امور اداری و ترتیبات لازم، به یک نیروی محرکه به نام وزارت خدمات مذهبی نیاز دارند.

هویت‌سازی سیاسی و فکری سیاستمداران برای ادامه بقا، بی‌تردید مبتنی بر هویت دینی بوده که آن هم نتیجه کارکرد نظام حاخامی طی قرون و اعصار بوده است. از آن قنات پنهان از نظرها، پس از سده‌ها، دولت اسرائیل که به یهودی بودن مطلق خود تاکید دارد، پدیدار شده است. پس از طوفان الاقصی مهمترین مؤلفه برای حفظ انسجام درونی جامعه صهیونیستی، تکیه بر هویت یهودی است که مبلغ عمده آن نظام حاخامی خواهد بود. از سوی دیگر آسیب‌پذیری پس از حمله هفت اکتبر و امنیت‌خواهی جامعه یهودی، نیز بی‌اعتمادی جامعه به ساختار سیاسی و اقتصادی آلوده به فساد، موجب گرایش بیشتر به رهبران دینی یهود که مروج یهودیت دولت هستند، می‌گردد. این موضوع سبب راست‌گراتر شدن جامعه اسرائیلی شده که در بطن و متن خود می‌تواند نقطه عطفی برای نظام حاخامی قلمداد گردد. در این داد و ستد البته که نظام حاخامی دست بالا و برنده را دارد. نکته قابل توجه آنکه پس از طوفان الاقصی و آشکار شدن نقاط ضعف دستگاهی امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل، گرایش به جریان‌های ارتدوکسی و افراطی که مدعی ارائه نظام امنیتی مورد نیاز و خواهان سخت‌گیری شدید و هر چه بیشتر علیه فلسطینیان هستند، تشدید شده است. بخش عمده‌ای از این جریان‌ها دارای تفکرات افراطی دینی می‌باشند که خواسته یا ناخواسته، آنها را به نظام حاخامی به عنوان مقوم و مروج هویت دینی افراطی، پیوند می‌زند. در این سودا و سود، سیاه‌جامگان حاخامی بهره‌بردار اصلی هستند.

منابع

- ابوالحسنی، ر. (۱۳۸۷). مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی. سیاست، ۱-۲۲.
- احمدی، ح. (۱۳۸۳). ایران: هویت، ملیت و قومیت. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- اسرائیل شاحاک و نورتون متفینیکی. (۲۰۰۱). الأصولیظ اليهودية فی اسرائیل. (ن. عفیفی، مترجم) قاهره: مؤسسه روز الیوسف.
- الشامی، ر. ع. (۱۹۹۴). القوى الدينية فی اسرائیل بین تکفیر الدلة و لعبة السياسة. کویت: عالم المعرفة.
- المسیری، ع. (۲۰۱۱). من هو اليهودی. قاهره: دارالشروق.
- بشیری، ح. (۱۳۸۲). عقل در سیاست. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بهمنش، ع. (۱۳۸۹). تحلیل بنیادگرایی صهیونیسم یهود با تاکید بر جنبش گوش آمونیم و هاردیم. دانشگاه اصفهان.
- بهمنش، ع. ع. (۱۳۸۹). تحلیل بنیادگرایی صهیونیسم یهود با تاکید بر جنبش گوش آمونیم و هاردیم. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عنایت اله یزدانی استاد راهنما: علی امید، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- تقی، م. ع. (۲۰۱۸). المؤسسات الدينية فی اسرائیل: جدل الدين والسياسة. الکویت: دار نهوض للدراسات والنشر.
- حسین، ب. (۱۳۷۴). جامعه شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.
- یزدی، ص. س. (۱۳۹۱). بررسی شکاف‌های قومی، مذهبی و هویتی رژیم صهیونیستی. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمدحسن خانی استاد مشاور: جلال درخشه، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- یزدی، ص. س. (۱۳۹۱). بررسی شکاف‌های قومی، مذهبی و هویتی رژیم صهیونیستی. تهران: دانشگاه امام صادق.

- Ariel Finkelstein, Ayala Goldberg. (2024, 06 23). *Jewish Public Opinion Regarding the Chief Rabbinate and the Elections for the Chief Rabbis*. Retrieved from <https://en.idi.org.il/articles/54586>
- B. S. Jackson, B. L. (2004). Halacha and Law. در M. G. (ed.), *The Oxford Handbook of Jewish Studies* (ص. Pages 643–679). Oxford: Oxford University Press.
- Barbalet, J. (2006). Max Weber and Judaism: An Insight into the Methodology of “The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism”. *Max Weber and the Spirit of Modern Capitalism – 100 Years On (JULY 2005 / JANUARY)*, pp. , 51-67 (17 pages).
- Baron, S. (1942). *Jewish Community Its History and Structure to the American Revolution [Volume 1]*. Westport: Greenwood press publishers.
- Berger, M. S. (1993). *Rabbinic Authority*. New York Oxford: Oxford University Press.
- Berger, M. S. (1998). *Rabbinic Authority*. New York: Oxford University Press, Inc.
- Brandes, Y. (2019). The Canonization of the Mishnah. *Journal of Ancient Judaism*. doi:<https://doi.org/10.13109/jaju.2019.10.2.145>
- Cerutti, F. (2003, February). A POLITICAL IDENTITY OF THE EUROPEANS? *Thesis Eleven*(72), 26–45.
- Cohen, S. (1991). Leadership in the Jewish polity: early rabbinic views. در D. J. Elazar, S. A. Cohen, J. Gerber, & R. Freedman, *Authority, Power and Leadership in the Jewish Polity* (235-246. ص.). Maryland: University Press of America .
- Cohen, S. A. (1990). *The three crowns Structures of communal politics in early rabbinic Jewry*. New York: CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS.
- Cohen, S. J. (2001). *The Beginnings of Jewishness; Boundaries, Varieties, Uncertainties*. Oakland: University of California Press.
- Department, S. R. (2025, july 18). *Budget of the Jewish religious courts in Israel 2016-2025*. بازبینی از <https://www.statista.com/>: <https://www.statista.com>
- Eitan Bar and Golan Brosh. (2019). *RABBINIC JUDAISM DEBUNKED*. Israel: ONE FOR ISRAEL Ministry.
- Elazar, D. J., Cohen, S. A., Gerber, J., & Robert. (1991). *Authority, power, and leadership in the Jewish polity*. Deland: University Press of America.
- Epsteine, I. (1960). *Judaism a historical presentation*. Baltimore: Penguin Books.
- Fisher, N. (2019). Israeli Halakha. The Chief Rabbinate’s Conversion-To-Judaism Policy 1948–2018. *Modern Judaism*, 61-92. doi:10.1093/mj/kjy018

- Freedman, M. (2020). Vote with your rabbi: The electoral effects of religious institutions in Israel. *Electoral Studies*. doi:10.1016/j.electstud.2020.102241
- Hakak, Y. (2012). *Young Men in Israeli Haredi Yeshiva Education*. Leiden: Brill.
- Hoffman, A. (2024, 12 22). *Women are not welcome at the Western Wall, not even on Hanukkah*. Retrieved from timesofisrael: <https://blogs.timesofisrael.com/women-are-not-welcomed-at-the-western-wall-even-on-hanukkah/>
- <https://www.aljazeera.com/news/2025/7/23/israeli-parliament-approves-symbolic-motion-on-west-bank-annexation>. (2025, july 23). بازپایی از <https://www.aljazeera.com>: <https://www.aljazeera.com>
- Huddy, L. (2013). *From Group Identity to Political Cohesion and Commitment*. NY: Stony Brook University.
- Israel Cabinet Ministries: Ministry of Religious Services. (n.d.). Retrieved from jewishvirtuallibrary: <https://www.jewishvirtuallibrary.org/israeli-ministry-of-religious-services>
- Israel Shahak and Norton Mezvinsky. (2004). *Jewish Fundamentalism in Israel*. London: Pluto Press.
- JOHNSON, P. (1987). *A HISTORY OF THE JEWS*. UK: Harper Collins.
- Jones, M. (2024). Moses Mendelssohn and the Jewish Questions of Modern Natural Law. *Journal of Law and Religion*, 16-33.
- Kampinsky, A. C. (2006). RELIGIOUS LEADERSHIP IN ISRAEL'S RELIGIOUS ZIONISM: THE CASE OF THE BOARD OF. *Jewish Political Studies Review*, Vol. 18, No. 3/4 (Fall), pp., 119-140.
- knesset. (n.d.). *CHIEF RABBINATE OF ISRAEL LAW, 5740-1980*. Retrieved from www.israellawresourcecenter.org: <https://web.archive.org/web/20170217091701/http://www.israellawresourcecenter.org/israelaws/fulltext/chiefrabbinateisrael.htm>
- Levi, Y. (2023). *A Study of Two Traditions: - Sephardi and Ashkenazi*. London: Routledg.
- Louis Isaac Rabinowitz, Leah Bornstein-Makovetsky, Alexander Carlebach, Judith R. Baskin . (2007). RABBI, RABBINATE. In F. Skolnik (Ed.), *ENCYCLOPAEDIA JUDAICA* (Second Edetion ed., Vol. 17, pp. 11-19). Detroit. New York: Thomson Gale.
- Neusner, J. (1999). *The Four Stages of Rabbinic Judaism*. London: Routledge.
- Oakes, L. (2001). *Language and National Identity: Comparing France and Sweden*. USA, Philadelphia: John Benjamin Publishing Compony.

- Rabbi. (1905). In I. Singer (Ed.), *The Jewish Encyclopedia* (Vol. 10, pp. 294-297). New York, London: Funk and Wagnalls Company.
- Rackman, E. (2016). *Modern Halakhah For Our Time*. New Jersey: KTAV Publishing House.
- RAKEFFET-ROTHKOFF, A. (2023). Rabbinic Authority and Leadership On the Contemporary Scene. *Hakirah: The Flatbush Journal of Jewish Law and Thought*, 34, 15-73.
- Ram, U. (2008). Why Secularism Fails? Secular Nationalism and Religious Revivalism in Israel. *International Journal of Politics Culture and Society*, 57-73. doi: <https://doi.org/10.1007/s10767-008-9039-3>
- Rocca, S. (2014). The hasmonean state and rome: A new appraisal. *Revue des Études Juives*, 263-295. doi:10.2143/REJ.173.3.3062102
- Rosenstein, M. J. (2015). The Role of the Rabbi in a Democratic Jewish State. *CrossCurrents*, 139-151. doi:10.1353/cro.2015.a782593
- SALES, B. (2024, 07 05). *Israel's chief rabbis leave their posts with no successors lined up to replace them*. Retrieved from timesofisrael: <https://www.timesofisrael.com/israels-chief-rabbis-leave-their-posts-with-no-successors-lined-up-to-replace-them/>
- Sharon, J. (2024, 05 26). *In historic ruling, High Court says government must draft Haredi men into IDF*. Retrieved from timesofisrael: <https://www.timesofisrael.com/in-historic-ruling-high-court-says-government-must-begin-drafting-haredi-men-into-idf/>
- Shetreet, S. (2014). State and Religion: Funding of Religious Institutions - The Case of Israel in Comparative Perspective. *Notre Dame Journal of Law, Ethics and Public Policy*, 421-454.
- Smith, A. D. (1999). Ethnic election and national destiny: some religious origins of nationalist ideals.. « *Nations and nationalism* 5.3 () : , 331-355.
- Smith, A. D. (2010). *Nationalism* (Second ed.). UK Cambridge: Polity Press.
- Tabak, R. (1994). The Rabbi as Gatekeeper . *Reconstructionist*, 88-94.
- Taragin-Zeller, L. (2021). A Rabbi of One's Own? Navigating Religious Authority and Ethical Freedom in Everyday Judaism. *American Anthropologist* Volume , 833-845. doi:10.1111/aman.13603
- TOISTAFF. (2025, 01 01). *Survey: Public support for conscripting ultra-Orthodox has surged throughout war*. Retrieved from timesofisrael: <https://www.timesofisrael.com/survey-public-support-for-conscripting-ultra-orthodox-has-surged-throughout-war/#:~:text=The%20Israeli%20public's%20opposition%20to,multifront%20war%20in%20Israel's%20history.>

- Turkel, E. (1993). The nature and limitations of rabbinic authority. *Tradition: A Journal of Orthodox Jewish Thought*, 80-99. doi:10.2307/23260887
- Wagner, M. (2024, 10 30). *Divisive, long-delayed election for chief rabbi to proceed Thursday*. Retrieved from timesofisrael.: <https://www.timesofisrael.com/divisive-long-delayed-election-for-chief-rabbi-to-proceed-thursday/>
- Warburg, A. Y. (2013). *Rabbinic Authority The Vision and the Reality –Beit Din Decisions*. (M. Mintz, Ed.) Jerusalem: Urim Publications.
- Weber, M. (1952). *Ancient Judaism*. London: Free Press.
- Weber, M. (2019). *Economy and society. I : a new translation*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press Pilot Project.
- Weinberg, S. (1999). the Role of rabbi. *Reconstructionist*, 7-60.
- Weinberg, S. P. (1991, Fall). To awaken and to Comfort: Rabbi As Spritual Guide. *The Reconstructionist*, 64(1), 7-15.
- Woolf, S. (2003). *Nationalism in Europe: From 1815 to the Present*. London: Routledge.
- Youvan, D. C. (2024). The Role and Influence of the Chief Rabbinate in Israel: Balancing Tradition and Modernity. doi:10.13140/RG.2.2.13968.42247
- Zeitlin, S. (1940). Rashi and the Rabbinate: The Struggle between Secular and Religious Forces for Leadership . *The Jewish Quarterly Review; New Series, Vol. 31, No. 1 (Jul.,), pp. , 1-58*.
- Zohar, Z. (2010). The Rabbi and the Sheikh. *Jewish Studies Quarterly*, 114-145 .
- אוהור מתוך (2020 07 09). אודות בני הדין הרבניים. gov.il: <https://www.gov.il/he/pages/about2>
- אוהור מתוך (2020 04 27). אודות המשרד לשירותי דת gov.il: <https://www.gov.il/he/pages/aboutdat>
- אוהור מתוך המשרד לשירותי דת (2022). מועצות דתיות רשימת מועצות דתיות. https://www.gov.il/he/pages/list_of_religious_councils
- מישלב, ד. ש. (2020). מה בקופסה? רב־תרבותיות בבתי הדין הפרטיים הפוסקים על פי ההלכה . מעשי משפט , 141-165.

References

- About the Ministry for Religious Services*. (2020, April 27). Government of Israel. Retrieved from gov.il.
- About the Rabbinical Courts*. (2020, July 9). Government of Israel. Retrieved from gov.il.

- Abu al-Hassani, R. (2008–2009). Components of national identity: A research-oriented approach. *Politics*, 1–22.
- Ahmadi, H. (2004–2005). *Iran: Identity, Nationality, and Ethnicity*. Tehran: Institute for Humanities Development and Research.
- Al-Misiri, A. (2011). *Who Is a Jew?* Cairo: Dar al-Shorouk.
- Al-Shami, R. A. (1994). *Religious Forces in Israel: Between Takfir and the Game of Politics*. Kuwait: Alam al-Ma'rifa.
- Amnon, Y. (2024). *The Role and Influence of the Chief Rabbinate in Israel: Balancing Tradition and Modernity*. doi:10.13140/RG.2.2.13968.42247
- Bar, E., & Brosh, G. (2019). *Rabbinic Judaism Debunked*. Israel: ONE FOR ISRAEL Ministry.
- Barbalet, J. (2006). Max Weber and Judaism: An insight into the methodology of *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*. *Max Weber and the Spirit of Modern Capitalism: 100 Years On*, 51–67.
- Baron, S. (1942). *Jewish Community: Its History and Structure to the American Revolution* (Vol. 1). Westport: Greenwood Press Publishers.
- Behnam, A. (2010–2011). *An Analysis of Jewish Zionist Fundamentalism with an Emphasis on the Gush Emunim and Haredim Movements*. Master's thesis, University of Isfahan.
- Behnam, A. A. (2010–2011). *An Analysis of Jewish Zionist Fundamentalism with an Emphasis on the Gush Emunim and Haredim Movements*. Master's thesis. Supervisor: Enayatollah Yazdani; Advisor: Ali Omid. Isfahan: University of Isfahan.
- Berger, M. S. (1993). *Rabbinic Authority*. New York: Oxford University Press.
- Berger, M. S. (1998). *Rabbinic Authority*. New York: Oxford University Press.
- Beshiriyeh, H. (2003–2004). *Reason in Politics*. Tehran: Negah-e Moaser.
- Brandes, Y. (2019). The canonization of the Mishnah. *Journal of Ancient Judaism*, 10(2), 145–. doi:10.13109/jaju.2019.10.2.145
- Cerutti, F. (2003, February). A political identity of the Europeans? *Thesis Eleven*, 72, 26–45.
- Chief Rabbinate of Israel Law, 5740–1980*. (n.d.). Knesset/Israel Law Resource Center.
- Cohen, S. (1991). Leadership in the Jewish polity: Early rabbinic views. In D. J. Elazar, S. A. Cohen, J. Gerber, & R. Freedman, *Authority, Power and Leadership in the Jewish Polity* (pp. 235–246). Maryland: University Press of America.
- Cohen, S. A. (1990). *The Three Crowns: Structures of Communal Politics in Early Rabbinic Jewry*. New York: Cambridge University Press.

- Cohen, S. J. (2001). *The Beginnings of Jewishness: Boundaries, Varieties, Uncertainties*. Oakland: University of California Press.
- Department, S. R. (2025, July 18). *Budget of the Jewish Religious Courts in Israel 2016–2025*. Retrieved from Statista.
- Elazar, D. J., Cohen, S. A., Gerber, J., & Robert. (1991). *Authority, Power, and Leadership in the Jewish Polity*. Deland: University Press of America.
- Epstein, I. (1960). *Judaism: A Historical Presentation*. Baltimore: Penguin Books.
- Fisher, N. (2019). Israeli Halakha: The Chief Rabbinate's conversion-to-Judaism policy, 1948–2018. *Modern Judaism*, 61–92. doi:10.1093/mj/kjy018
- Finkelstein, A., & Goldberg, A. (2024, June 23). *Jewish Public Opinion Regarding the Chief Rabbinate and the Elections for the Chief Rabbis*. Israel Democracy Institute.
- Freedman, M. (2020). Vote with your rabbi: The electoral effects of religious institutions in Israel. *Electoral Studies*. doi:10.1016/j.electstud.2020.102241
- Hakak, Y. (2012). *Young Men in Israeli Haredi Yeshiva Education*. Leiden: Brill.
- Hoffman, A. (2024, December 22). *Women Are Not Welcome at the Western Wall, Not Even on Hanukkah*. Times of Israel.
- Huddy, L. (2013). *From Group Identity to Political Cohesion and Commitment*. New York: Stony Brook University.
- Ibn? [Source name unclear in original].
- Israel Cabinet Ministries: Ministry of Religious Services. (n.d.). *Ministry of Religious Services*. Jewish Virtual Library.
- Israel Shahak, & Mezvinsky, N. (2004). *Jewish Fundamentalism in Israel*. London: Pluto Press.
- Israel's Parliament Approves Symbolic Motion on West Bank Annexation*. (2025, July 23). Al Jazeera.
- Jackson, B. S., & Jackson, B. L. (2004). Halacha and law. In M. G. (Ed.), *The Oxford Handbook of Jewish Studies* (pp. 643–679). Oxford: Oxford University Press.
- Johnson, P. (1987). *A History of the Jews*. UK: HarperCollins.
- Jones, M. (2024). Moses Mendelssohn and the Jewish questions of modern natural law. *Journal of Law and Religion*, 16–33.
- Kampinsky, A. C. (2006). Religious leadership in Israel's religious Zionism: The case of the Board of. *Jewish Political Studies Review*, 18(3–4), 119–140.
- Knesset. (n.d.). *Chief Rabbinate of Israel Law, 5740–1980*. Israel Law Resource Center.

- Levi, Y. (2023). *A Study of Two Traditions: Sephardi and Ashkenazi*. London: Routledge.
- List of Religious Councils*. (2022). Ministry of Religious Services. Government of Israel.
- Louis Isaac Rabinowitz, Leah Bornstein-Makovetsky, Alexander Carlebach, & Judith R. Baskin. (2007). Rabbi, rabbinate. In F. Skolnik (Ed.), *Encyclopaedia Judaica* (2nd ed., Vol. 17, pp. 11–19). Detroit/New York: Thomson Gale.
- Meshlov, D. S. (2020). What's in the box? Multiculturalism in private rabbinical courts adjudicating according to Halakha. *Ma'asei Mishpat*, 141–165.
- Neusner, J. (1999). *The Four Stages of Rabbinic Judaism*. London: Routledge.
- Oakes, L. (2001). *Language and National Identity: Comparing France and Sweden*. Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Rabbi. (1905). In I. Singer (Ed.), *The Jewish Encyclopedia* (Vol. 10, pp. 294–297). New York/London: Funk and Wagnalls Company.
- Rackman, E. (2016). *Modern Halakhah for Our Time*. New Jersey: KTAV Publishing House.
- Rakeffet-Rothkoff, A. (2023). Rabbinic authority and leadership on the contemporary scene. *Hakirah: The Flatbush Journal of Jewish Law and Thought*, 34, 15–73.
- Ram, U. (2008). Why secularism fails? Secular nationalism and religious revivalism in Israel. *International Journal of Politics, Culture and Society*, 57–73. doi:10.1007/s10767-008-9039-3
- Rocca, S. (2014). The Hasmonean state and Rome: A new appraisal. *Revue des Études Juives*, 263–295. doi:10.2143/REJ.173.3.3062102
- Rosenstein, M. J. (2015). The role of the rabbi in a democratic Jewish state. *CrossCurrents*, 139–151. doi:10.1353/cro.2015.a782593
- Sales, B. (2024, July 5). *Israel's Chief Rabbis Leave Their Posts with No Successors Lined Up to Replace Them*. Times of Israel.
- Sharon, J. (2024, May 26). *In Historic Ruling, High Court Says Government Must Draft Haredi Men into IDF*. Times of Israel.
- Shetreet, S. (2014). State and religion: Funding of religious institutions: The case of Israel in comparative perspective. *Notre Dame Journal of Law, Ethics and Public Policy*, 421–454.
- Smith, A. D. (1999). Ethnic election and national destiny: Some religious origins of nationalist ideals. *Nations and Nationalism*, 5(3), 331–355.
- Smith, A. D. (2010). *Nationalism* (2nd ed.). Cambridge, UK: Polity Press.
- Tabak, R. (1994). The rabbi as gatekeeper. *Reconstructionist*, 88–94.

- Tagi, M. A. (2018). *Religious Institutions in Israel: The Religion–Politics Debate*. Kuwait: Dar Nuhud for Studies and Publishing.
- Taragin-Zeller, L. (2021). A rabbi of one's own? Navigating religious authority and ethical freedom in everyday Judaism. *American Anthropologist*, 833–845. doi:10.1111/aman.13603
- The Rabbinical Courts*. (2020, July 9). Government of Israel.
- The Religious Councils: List of Religious Councils*. (2022). Ministry of Religious Services.
- The Religious Services Ministry*. (2020, April 27). Government of Israel.
- The Religious Services Ministry*. (2020, April 27). Government of Israel.
- ToI Staff. (2025, January 1). *Survey: Public Support for Conscripting Ultra-Orthodox Has Surged Throughout War*. Times of Israel.
- Turkel, E. (1993). The nature and limitations of rabbinic authority. *Tradition: A Journal of Orthodox Jewish Thought*, 80–99. doi:10.2307/23260887
- Wagner, M. (2024, October 30). *Divisive, Long-Delayed Election for Chief Rabbi to Proceed Thursday*. Times of Israel.
- Warburg, A. Y. (2013). *Rabbinic Authority: The Vision and the Reality – Beit Din Decisions*. Edited by M. Mintz. Jerusalem: Urim Publications.
- Weber, M. (1952). *Ancient Judaism*. London: Free Press.
- Weber, M. (2019). *Economy and Society I: A New Translation*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press Pilot Project.
- Weinberg, S. (1991, Fall). To awaken and to comfort: Rabbi as spiritual guide. *The Reconstructionist*, 64(1), 7–15.
- Weinberg, S. (1999). The role of rabbi. *Reconstructionist*, 7–60.
- Woolf, S. (2003). *Nationalism in Europe: From 1815 to the Present*. London: Routledge.
- Youvan, D. C. (2024). *The Role and Influence of the Chief Rabbinate in Israel: Balancing Tradition and Modernity*. doi:10.13140/RG.2.2.13968.42247
- Zeitlin, S. (1940). Rashi and the rabbinate: The struggle between secular and religious forces for leadership. *The Jewish Quarterly Review*, 31(1), 1–58.
- Zohar, Z. (2010). The rabbi and the sheikh. *Jewish Studies Quarterly*, 114–145.

